



نشر گل واژه

گلبرگ

درسنامه

امتحان

آزمون جامع

پاسخ تشریحی



فایل نمونه کتاب های بسته گلبرگ
دهم انسانی

فابل مونه

گلببرگ علوم و فنون ادبي (ا)

دهم انساني

فصل سوم: (سبک خراسانی، وزن شعر فارسی، موازنه و ترصیح)

درسنامه

درس ۷ (سبک و سبک‌شناسی (سبک خراسانی))

سبک

تعریف: در اصطلاح ادبی شیوه خاص یک اثر یا آثار ادبی را «سبک» می‌نامند. سبک شعر: مجموعه ویژگی‌هایی که شاعر یا نویسنده در نحوه بیان اندیشه به کار می‌گیرد. سبک شخصی: شیوه بیان هر نویسنده یا شاعر، «سبک شخصی» اوست. علت تنوع سبک‌ها: به تعداد شاعران یا نویسندگان، سبک وجود دارد؛ زیرا اطلاعات، دانش، ذوق و استعداد‌های افراد متفاوت است. انواع سبک: سبک را از دیدگاه‌های مختلف می‌توان طبقه‌بندی کرد:

الف) طبقه‌بندی براساس نظریه ارسطو:

۱. براساس نام شاعر یا نویسنده: سبک فردوسی، سبک بیهقی
 ۲. براساس زمان و دوره اثر: سبک دوره غزنوی، سبک دوره مشروطه
 ۳. براساس موضوع و نوع: سبک عرفانی، سبک حماسی
 ۴. براساس محیط جغرافیایی: سبک آذربایجانی و سبک خراسانی
 ۵. به تناسب مخاطب: سبک عامیانه، سبک عالمانه
 ۶. براساس هدف: سبک تعلیمی، سبک فکاهی
 ۷. براساس قلمرو دانشی: علمی، فلسفی
- ب) طبقه‌بندی شعر فارسی براساس نظر ملک‌الشعرا بهار:
۱. سبک خراسانی (ترکستانی) (از آغاز شعر فارسی تا قرن ششم)
 ۲. سبک عراقی (از قرن ششم تا قرن دهم)
 ۳. سبک هندی (از قرن دهم تا قرن سیزدهم)
 ۴. دوره بازگشت (تمام طول قرن سیزدهم)
 ۵. دوره مشروطه
 ۶. دوره معاصر

توجه این تقسیم‌بندی بر مبنای حوزه جغرافیایی و تاریخی شعر است و بعضی از مکتب‌ها و سبک‌های فرعی را نیز می‌توان به آن افزود.

پ) طبقه‌بندی نثر فارسی براساس نظریه بهار:

۱. دوره سامانی (۳۰۰ تا ۴۵۰ ه.ق)
۲. دوره غزنوی و سلجوقی اول (۴۵۰ تا ۵۵۰ ه.ق)
۳. دوره سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان (نثر فنی) (۵۵۰ تا ۶۱۶ ه.ق)
۴. دوره سبک عراقی (نثر مصنوع) (۶۰۰ تا ۱۲۰۰ ه.ق)
۵. دوره بازگشت ادبی (۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ ه.ق)
۶. دوره ساده نویسی (۱۳۰۰ ه.ق تا امروز)

توجه مکتب‌ها و سبک‌های ادبی محصول اوضاعی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... زمانه‌ای است که صاحبان آن مکتب‌ها و سبک‌ها در آن می‌زیسته‌اند.

سبک‌شناسی دوره اول

۱. شعر

نخستین آثار نظم زبان فارسی بعد از اسلام، ابتدا در «سیستان» و بعد در «خراسان بزرگ» پدید آمد. منظور از خراسان بزرگ: خراسان کنونی و افغانستان و تاجیکستان، ماوراءالنهر و ترکستان نام دیگر سبک خراسانی: سبک سامانی است؛ زیرا اوج آن در زمان سامانیان بوده است. سبک‌های فرعی خراسانی بر حسب زمان: سامانی، غزنوی و سلجوقی با ویژگی‌های مشترک. سبک دوره سلجوقی را «بینابین» می‌نامند؛ زیرا ویژگی‌های سبک عراقی هم در آن دیده می‌شود. شاعران معروف سبک خراسانی: رودکی، فردوسی، ناصر خسرو

ویژگی‌های شعر سبک خراسانی در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری

الف) ویژگی‌های زبانی

۱. سادگی زبان شعر

۲. کم بودن لغات عربی و لغات بیگانه (به جز اصطلاحات دینی و علمی)

۳. تفاوت تلفظ برخی از کلمات در مقایسه با زبان امروز؛ **مثل:** یک - هزار به جای یک - هزار

۴. استفاده از دو حرف اضافه برای یک متمم؛ **مثل:** زدش بر زمین بر به کردار شیر

۵. کهنه بودن برخی لغات در مقایسه با دوره‌های بعد؛ مثل گبر، جوشن

ب) ویژگی‌های ادبی

۱. قالب عمده شعر، قصیده است، قالب‌های رایج دیگر: مسمط، ترجیع‌بند، مثنوی و قالب غزل نیز در اواخر این دوره رشد می‌یابد.

۲. استفاده طبیعی و در حد اعتدال از آرایه‌های ادبی

۳. قافیه و ردیف ساده

۴. استفاده از تشبیه حتی در توصیف پدیده‌ها

ج) ویژگی‌های فکری

۱. غلبه روح شادی و نشاط و خوش باشی در شعر

۲. واقع‌گرا بودن شعر و محسوس، عینی، ساده و طبیعی بودن توصیفات

۳. زمینی بودن معشوق

۴. حاکم بودن روح حماسه بر ادبیات این دوره

۵. ساده بودن اشعار پندآموز و اندرزگونه که جنبه عملی و دستوری دارد.

۶. مضمون اشعار: حماسه، مدح و اندرز

۷. سادگی فکر و کلام؛ یعنی هنوز با پیچیدگی‌های عرفانی، حکمی و اندیشه‌های فلسفی در نیامیخته است.

۲. نثر دوره اول

الف) دوره سامانی

ب) دوره غزنوی و سلجوقی

الف) دوره سامانی:

ویژگی‌های نثر این دوره:

۱. ایجاز و اختصار در لفظ و معنی

۲. کوتاهی جملات

۳. افزایش نشانه‌های جمع فارسی بر جمع عربی

۴. محتوای نثر این دوره: بیشتر علمی و گاه حماسی، تاریخی و دینی

۵. نمونه آثار این دوره: ترجمه تفسیر طبری، تاریخ بلعمی، التفهیم و شاهنامه منثور ابومنصوری

ب) دوره غزنوی و سلجوقی:

ویژگی‌های نثر این دوره:

۱. اطناب (جملات طولانی)

۲. تمثیل و استشهاد به آیات و احادیث و اشعار

۳. حذف افعال با قرینه

۴. افزایش کاربرد لغات عربی نسبت به دوره قبل

نمونه آثار این دوره: تاریخ بیهقی، قابوس‌نامه، سفرنامه ناصر خسرو، سیاست‌نامه، کیمیای سعادت، کشف‌المحجوب

۱.	جاهای خالی را کامل کنید. الف) کتاب کشف‌المحجوب از نمونه‌های نثر دوره است. ب) در اصطلاح ادبی، شیوه خاص یک اثر یا آثار ادبی است. پ) نخستین آثار نظم زبان فارسی بعد از اسلام، ابتدا در و سپس در پدید آمد. ت) نام دیگر سبک خراسانی است.	(علامه هلی - فرداد ۱۴۰۲)
۲.	درست یا نادرست بودن جملات زیر را مشخص کنید. الف) واقع‌گرایی و توصیفات طبیعی از ویژگی‌های فکری شعر سبک خراسانی است. (علامه هلی - فرداد ۱۴۰۲) ب) تقسیم‌بندی شعر به تناسب مخاطب، براساس نظریه ارسطو به سبک عامیانه و عالمانه صورت می‌گیرد. (فرزادنگان بویراحمد - فرداد ۱۴۰۲) پ) سبک خراسانی به تناسب انتخاب حسب زمان به دو سبک فرعی سامانی و سلجوقی تقسیم می‌شود. ت) به مجموعه ویژگی‌هایی که شاعر یا نویسنده در نحوه بیان اندیشه به کار می‌گیرد، «سبک» می‌گویند. ث) به تعداد شاعران و نویسندگان جهان، سبک وجود دارد. ج) مکتب‌ها و سبک‌های ادبی محصول اوضاع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی زمانه‌ای است که صاحبان آن مکتب‌ها و سبک‌ها در آن می‌زیسته‌اند. چ) طبقه‌بندی سبک مطابق با قلمرو دانشی، براساس نظریه ملک‌الشعرا بهار است.	درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/>
۳.	پاسخ درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) به شیوه بیان هر نویسنده یا شاعر می‌گویند. (سبک شخصی - سبک شعر) ب) از ویژگی‌های نثر دوره سامانی است. (ابجاز - اطناب) پ) در دوره غزنوی و سلجوقی دیده می‌شود. (حذف فعل به قرینه - تکرار فعل به ضرورت) ت) استفاده از دو نشانه برای یک متمم از ویژگی‌های (زبانی - ادبی - فکری) شعر سبک خراسانی است. ث) قالب عمده شعر سبک خراسانی (غزل - قصیده) است.	
۴.	با توجه به ویژگی‌های قلمرو سه‌گانه شعر در سبک خراسانی، کدام مورد <u>نادرست</u> است؟ الف) واقع‌گرا بودن شعر و توصیفات عمدتاً طبیعی و ساده (قلمرو ادبی) ب) طبیعی و معتدل بودن استفاده از آرایه‌های ادبی (قلمرو ادبی) ج) ساده بودن اشعار پندآموز و اندرزگونه (قلمرو فکری) د) حاکم بودن روح حماسه بر ادبیات (قلمرو فکری)	(کنکور سراسری - تیر ۱۴۰۲)
۵.	کدام گزینه از ویژگی‌های زبانی سبک خراسانی <u>نیست</u> ؟ الف) کهنه و مهجور بودن بخشی از لغات ب) سادگی فکر و کلام ج) استفاده از دو نشانه برای یک متمم د) کمی لغات عربی و بیگانه	(باقرالعلوم ۳ - فرداد ۱۴۰۲)
۶.	کدام گزینه از ویژگی‌های نثر دوره سامانی است؟ الف) حذف افعال به قرینه ب) استشهاد به آیات ج) کوتاهی جملات د) اطناب	(باقرالعلوم ۳ - فرداد ۱۴۰۲)
۷.	طبقه‌بندی سبک براساس نام شاعر یا نویسنده و زمان و دوره اثر، براساس نظریه کیست؟ الف) افلاطون ب) ملک‌الشعرا بهار ج) ارسطو د) قائم مقام فراهانی	
۸.	کدام گزینه از تقسیم‌بندی نثر فارسی براساس نظریه بهار <u>نیست</u> ؟ الف) دوره معاصر ب) دوره نثر فنی ج) دوره ساده‌نویسی د) دوره بازگشت ادبی	
۹.	کدام گزینه از ویژگی‌های زبانی شعر سبک خراسانی <u>نیست</u> ؟ الف) سادگی زبان ب) قافیه و ردیف ساده ج) کم بودن لغات عربی د) مهجور بودن برخی لغات	
۱۰.	کدام گزینه درباره ویژگی‌های قلمرو فکری شعر در سبک خراسانی <u>درست نیست</u> ؟ الف) معشوق آسمانی است. ب) شعر واقع‌گراست. ج) روح حماسه بر شعر حاکم است. د) فکر و کلام ساده است.	

۱۱.	متن زیر برگزیده‌های از کدام اثر ادبی است؟ و مربوط به کدام دوره است؟ «پس عبدالمطلب گفت که: «ایها الملک! من خداوند آشترم نه خداوند خانه، و مر این خانه را خداوندی هست، و او خود خانه خود را نگاه دارد.»
۱۲.	محمدتقی بهار برای شعر فارسی چند نوع سبک و دوره قائل است؟
۱۳.	چرا به سبک خراسانی، سبک سامانی نیز گفته‌اند؟
۱۴.	سبک خراسانی برحسب زمان به چند سبک فرعی تقسیم می‌شود؟
۱۵.	چرا به سبک دوره سلجوقی، «بینابین» می‌توان گفت؟
۱۶.	دو تن از شاعران معروف سبک خراسانی را نام ببرید.
۱۷.	دو مورد از ویژگی‌های زبانی سبک خراسانی را بنویسید.
۱۸.	دو مورد از ویژگی‌های ادبی سبک خراسانی را بنویسید.
۱۹.	دو مورد از ویژگی‌های فکری سبک خراسانی را بنویسید.
۲۰.	دو نمونه از آثار منثور دوره سامانی را نام ببرید.
۲۱.	دو مورد از ویژگی‌های نثر دوره سامانی را نام ببرید.
۲۲.	دو مورد از ویژگی‌های نثر دوره سلجوقی و غزنوی را نام ببرید.
۲۳.	نمونه‌های نثر دوره غزنوی و سلجوقی را نام ببرید.
۲۴.	با توجه به شعر زیر از رودکی، به پرسش‌ها پاسخ دهید. <div style="display: flex; justify-content: space-around; margin-top: 10px;"> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; width: 45%;"> <p>می لعل پیش آر و پیش من آی از آن می مرا ده که از عکس او</p> </div> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; width: 45%;"> <p>به یک دست جام و به یک دست چنگ چو یاقوت گردد به فرسنگ، سنگ</p> </div> </div> <p>(الف) دو ویژگی زبانی شعر را بنویسید. (ب) درباره ویژگی ادبی بیت دوم توضیح دهید. (پ) کدام ویژگی‌های قلمرو فکری سبک خراسانی در شعر دیده می‌شود؟</p>
۲۵.	متن زیر که از کتاب «تاریخ بلعمی» انتخاب شده است، مربوط به کدام دوره است؟ ویژگی‌های آن را بنویسید. «و چون به خرد نگاه کنی، بدانی که آفرینش او بر هستی او گواست و سپاس وی بر بندگان وی پیداست و نعمت‌های او بر بندگان وی گستریده است. سپاس داریم آن خدای را، برین نکویی‌ها که با بندگان خویش کرده است و درود بر محمد پیغامبر، بهترین جهان و گزین پیغامبران و نازنین همه فرزندان آدم و شفاعت خواه بندگان به روز بزرگ»
۲۶.	دو مورد از ویژگی‌های نثر زیر را که از کتاب «تاریخ بیهقی» انتخاب شده است، بنویسید. «دیگر روز به درگاه آمدی و با خلعت نبود، که بر عادت روزگار گذشته قیایی ساخته کرد و دستاری نشابوری یا قاینی، که این مهتر را رضی‌الله عنه» با این جامه‌ها دیدندی به روزگار. و از ثقات او شنیدم، چو بو ابراهیم قاینی کدخدایش و دیگران، که بیست و سی قبا بود او را یک رنگ، که یک سال می‌پوشیدی و مردمان چنان دانستندی که یک قباست و گفتندی: سبحان الله! این قبا از حال بنگردد؟»
۲۷.	متن زیر را که از کتاب «قابوس‌نامه» انتخاب شده است، بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید. «به روزگار خسرو، اندر وقت بوذرجمهر، رسولی آمد از روم. خسرو بنشست چنان که رسم ملوک بود؛ و رسول را بار داد. پس رسول با وزیر، بوذرجمهر، گفت: «ای فلان، همه چیز در عالم تو دانی؟» بوذرجمهر گفت: «نه، ای خدایگان!» خسرو از آن طیره شد و از رسول، خجل گشت. پرسید که همه چیز پس که داند؟ بوذرجمهر گفت: «همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادر زاده نشده‌اند.» (الف) متن فوق مربوط به چه سبکی است؟ (ب) دو مورد از ویژگی زبانی متن را بنویسید.

تعریف وزن: نظمی است بر مبنای کمیت هجاها؛ یعنی بر پایه چینش هماهنگ هجاهای کوتاه و بلند استوار است. علم عروض: علمی که قواعد وزن شعر و طبقه‌بندی وزن‌ها را از جنبه نظری و عملی تعیین می‌کند. واحد وزن در شعر فارسی و در بسیاری از زبان‌های دیگر: مصراع روش پیدا کردن وزن شعر: درست خواندن آن خط عروضی: درست خواندن و درست نوشتن شعر (خواندن واژه‌ها به همان شکلی که تلفظ می‌شود)

توجه در خواندن نباید شکل نوشتاری کلمات، ما را دچار اشتباه کند.

برای نمونه، کافی است شکل نوشتاری بیت را با صدایی که از خواندن آن می‌شنوید، مطابقت دهید؛ **مثال**

صدق پیش آر که اخلاص به پیشانی نیست

طاعت آن نیست که بر خاک نهی پیشانی

(سعدی)

وقتی بیت را درست بخوانیم «طاعت آن» به صورت «طاعتان» و «پیش آر» به صورت «پیشار» تلفظ می‌شود. در تعیین وزن می‌کشیم، شعر را همان‌گونه که می‌خوانیم یا می‌شنویم، بنویسیم. این خط، خط عروضی نامیده می‌شود.

قواعد نوشتن به خط عروضی

۱. هرگاه واژه‌ای با مصوت شروع شود، یعنی قبل از واج مصوت، همزه داریم؛ اگر واج قبل از همزه صامت باشد، همزه حذف می‌شود؛ **مثال** سر آغاز ← سراغاز
بنی آدم اعضای یک پیکرند: بنی آدم‌عضای یک پیکرند
و اگر واج قبل از همزه مصوت باشد همزه خوانده می‌شود؛ **مثال** همه از: هم‌آز
۲. حرکات (مصوت‌های کوتاه) گذاشته شود؛ **مثال** ای چشم چراغ‌ه‌ه‌لِ بَینِش

توجه «و» عطف و ربط به صورت مصوت کوتاه ـ بر روی آخرین واج قبل از خود نوشته می‌شود؛ **مثال** من و تو: مَن و تُو

۳. حروفی که نوشته می‌شوند؛ اما خوانده نمی‌شوند، در خط عروضی حذف می‌شوند؛ **مثال** خویش ← خویش چه ← چه ← چ

۴. حروف مشدد را دو بار می‌نویسیم؛ **مثال** صیّاد ← صی یاد دژنده ← دَر زَند

تقطیع هجایی: «تقطیع» یعنی قطعه قطعه کردن شعر به هجاها و ارکان عروضی:

(الف) ابتدا هجاهای شعر را با دقت جدا می‌کنیم و مرز هر هجا را با خط عمودی کوتاهی مشخص می‌کنیم.

(ب) سپس علامت هر هجا (کوتاه، بلند، کشیده) را زیر آن می‌نویسیم.

بادآوری: حرکات (مصوت‌های کوتاه) در شمارش، مانند دیگر حروف شمرده می‌شوند.

(پ) هجاهای مصراع دوم را نیز زیر هجاهای مصراع اول می‌نویسیم و علامت هر هجا را می‌گذاریم.

در نهایت می‌بینیم که نظم و ترتیب و تعداد هجاهای مصراع دوم، دقیقاً مثل مصراع اول خواهد بود.

نکته ۱. آخرین هجای هر مصراع نیز چه کوتاه (U) باشد، چه کشیده (U-)، زیر آن علامت هجای بلند (-) می‌گذاریم؛ زیرا آخرین هجا در مصراع همیشه بلند است.

۲. برای شمارش واج‌ها، مصوت‌های بلند (آ - ی - و) را دو واج حساب می‌کنیم.

مثال تقطیع هجایی:

هم تو ببخشای و ببخشای ای کریم

از پی توست این همه امید و بیم

(نظامی)

بیم	دُ	می	مُ	م	هَ	تین	تُس	ی	پ	عز
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-
ریم	ک	شی	نِخ	بِ	ی	شا	نِخ	بِ	ت	هم
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-

نکات تقطیع بیت بالا:

فابل مونه
گلببرگ فارسی (۱)
دهم

درس اول: چشمه

درس نامه.

ادبیات تعلیمی

به آثار ادبی که شاعر یا نویسنده در آن‌ها خواسته است موضوع و مفهومی رفتاری، اخلاقی یا مسئله‌ای اجتماعی و پندآموز را به شیوه اندرز بازگو کند و برای این کار از داستان یا حکایت در قالب شعر و نثر بهره گرفته، «ادبیات تعلیمی» می‌گویند. اثر تعلیمی، اثری است که با هدف آموزش و تعلیم، موضوع‌هایی از حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری را بیان می‌کند. آثار تعلیمی می‌توانند تخیلی - ادبی باشند تا مسئله‌ای را به صورت روایی یا نمایشی با جذابیت بیشتر ارائه دهند. از این‌گونه آثار ادبی، به ویژه در کتاب‌های درسی و ادبیات کودک و نوجوان بهره می‌گیرند. بسیاری از شاهکارهای ادبی (قابوس‌نامه، کلیله و دمنه، گلستان، بوستان، مثنوی معنوی و...) و برخی آثار طنز، جنبه تعلیمی دارند.

غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا

گشت یکی چشمه ز سنگی جدا

قلمرو زبانی

گشت: شد / غلغله‌زن: شور و غوغاکنان / تیزپا: تندرو، تیزرو

قلمرو ادبی

قالب شعر: مثنوی / ادبیات تعلیمی / چهره‌نما: کنایه از خودنما / چشمه: نماد انسان مغرور و خودخواه، تشخیص

قلمرو فکری

چشمه‌ای از زیر سنگی جوشید و با شور و غوغا و خودنمایی فراوان روان شد. (توصیف چشمه)

گاه چو تیری که رود بر هدف

که به دهان، بر زده کف، چون صدف

قلمرو زبانی

گاه: گاه، زمانی / چون و چو: مثل و مانند (حرف اضافه) (که چون صدف به دهان کف بر زده، گاه چو تیری که بر هدف رود)

قلمرو ادبی

چون صدف، چو تیر: تشبیه / هدف و صدف: جناس / کف و صدف: تناسب / تیر و هدف: تناسب

قلمرو فکری

گاهی چشمه کفی به رنگ صدف داشت و گاهی مانند تیری که به سوی هدف می‌رود، به سرعت حرکت می‌کرد. (سرعت حرکت)

تاج سر گلبین و صحرا، منم

گفت: درین معرکه، یکتا منم

قلمرو زبانی

معرکه: میدان جنگ، جای نبرد / گلبین: بوته یا درخت گل، به ویژه بوته گل سرخ / یکتا: بی‌همتا

قلمرو ادبی

من تاج سر هستم: تشبیه / گلبین و صحرا (چون تاج بر سر دارند): تشخیص / تاج سر بودن: کنایه از مایه افتخار و بزرگی / معرکه: استعاره از دشت و صحرا

قلمرو فکری

چشمه گفت: من در این صحرا و دشت، یگانه‌ام و برای باغ مایه افتخار و بزرگی هستم. (غرور و تکبر چشمه)

بوسه زند بر سر و بر دوش من

چون بدوم، سبزه در آغوش من

قلمرو زبانی

آغوش: بغل / دوش: شانه، کتف

قلمرو ادبی

سر و دوش، آغوش: تناسب / آغوش من (چشمه): تشخیص / بوسه زند: کنایه از سپاسگزاری و بزرگداشت

قلمرو فکری

هنگامی که جاری می‌شوم، سبزه مرا در آغوش می‌گیرد و بر سر و دوش من بوسه می‌زند. (خودستایی چشمه)

ماه ببیند رخ خود را به من

چون بگشایم ز سر مو، شکن

قلمرو زبانی

چون: هنگامی که / بگشایم: باز کنم / شکن: پیچ و خم زلف

قلمرو ادبی

رخ ماه: تشخیص / باز کردن چین زلف از سر چشمه: تشخیص / ماه: نماد زیبایی / مو و رخ: تناسب / مصراع اول: کنایه از آرام و زلال شدن آب چشمه

قلمرو فکری

چشمه گفت: وقتی آرام و زلال می‌شوم، ماه چهره خود را در من می‌بیند. (خودستایی، غرور، ادعای زیبایی)

زو بدمد بس گهر تابناک

قطره باران که در افتد به خاک

قلمرو زبانی

در افتد: بیفتد / زو: از او / دمیدن: جوانه زدن، روییدن / بس: بسیار / گهر: گوهر، جواهر / تابناک: تابنده، درخشان

قلمرو ادبی

خاک: مجاز از زمین / گوهر: استعاره از گیاهان و گل‌ها

قلمرو فکری

زمانی که قطره باران بر زمین می‌افتد، از آن گل‌ها و گیاهان زیبای بسیاری می‌روید.

از خجلی سر به گریبان برد

در بر من، ره چو به پایان برد

قلمرو زبانی

خجلی: شرمندگی / گریبان: یقه / بر: آغوش

قلمرو ادبی

سر به گریبان بردن: کنایه از شرمندگی / ره به پایان بردن: کنایه از رسیدن / شرمندگی قطره: تشخیص

قلمرو فکری

وقتی قطره باران در انتهای مسیرش به من می‌رسد [از شدت حقارت] احساس شرمندگی می‌کند. (خودستایی و غرور)

باغ زمن صاحب پیرایه شد

ابر ز من، حامل سرمایه شد

قلمرو زبانی

حامل: دارنده / پیرایه: زینت و زیور

قلمرو ادبی

سرمايه: استعاره از باران / پيرايه: استعاره از گل و گياه / مصراع اول: كنايه از بخار شدن آب و شكل گرفتن ابر / سرمايه ابر، پيرايه باغ: تشخيص

قلمرو فكري

ابر، باران خودش را از من مي‌گيرد و باغ به واسطه من صاحب اين گل‌هاي زيبا شده است. (خودستايي و غرور)

مي‌کند از پرتو من زندگي

گل به همه رنگ و برازندگي

قلمرو زباني

برازندگي: شايستگي، لياقت / پرتو: اشعه، نور

قلمرو ادبي

گل: نماد زيبايي و لطافت / از پرتو کسي زندگي کردن: كنايه از وابسته او بودن

قلمرو فكري

گل با همه زيبايي و شايستگي‌اش، از برکت وجود من زندگي مي‌کند. (خودستايي و غرور چشمه)

کيست کند با چو مني همسري؟

در بُن اين پرده نيلوفري

قلمرو زباني

بُن: زير، عمق، اساس، بنياد / نيلوفري: صفت نسبي، منسوب به نيلوفر، به رنگ نيلوفر، لاجوردی، در متن درس، مقصود از «پرده نيلوفري» آسمان لاجوردی است.

قلمرو ادبي

پرده نيلوفري: مجاز از آسمان / همسري کردن: كنايه از برابري و رقابت (همسري: امروزه: همسر بودن)

قلمرو فكري

زير اين آسمان آبي هيچ کس نمي‌تواند با من برابري کند و هم‌شان من باشد. (خود بزرگ‌بيني)

رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور

زين نَمَط آن مست شده از غرور

قلمرو زباني

نَمَط: روش، طريقه / زين نمط: بدین ترتيب / مبدأ: آغاز

قلمرو ادبي

مست شده از غرور: تشخيص

قلمرو فكري

چشمه زيبا لبريز از غرور تکبر با همين روش پيش مي‌رفت، وقتي کمی از سرچشمه‌اش دور شد... (با بيت بعد موقوف‌المعاني است)

سهمگني، نادره جوشنده‌اي

ديد يکي بحر خروشنده‌اي

قلمرو زباني

خروشنده: خروشان / سهمگن: ترسناک / نادره: بي‌همتا، شگفت‌آور / جوشنده: جوشان / بحر: دريا

قلمرو فكري

چشمه، دريايي خروشان، ترسناک و جوشان را ديد. (ابهت و شکه دريا)

دیده سیه کرده، شده زهره دَر

نعره بر آورده، فلک کرده کر

قلمرو زبانی

نعره: فریاد، بانگ بلند / دیده: چشم / فلک: آسمان / زهره دَر: ترساننده

قلمرو ادبی

دیده سیه کردن: کنایه از خشمگین شدن / نعره بر آورده: منظور صدای امواج خروشان و بلند دریاست / زهره در شدن: کنایه از ترسناک شدن، ایجاد وحشت و مایه هلاک شدن / کر شدن فلک: تشخیص

قلمرو فکری

دریا فریاد بلندی بر آورد و گوش فلک را ناشنوا کرده و با چشمان غضبناک خود همه را ترسانده بود. (شکوه و عظمت دریا)

داده تنش بر تن ساحل، یله

راست به مانند یکی زلزله

قلمرو زبانی

یله: رها، آزاد / یله دادن: تکیه دادن / راست: دقیقاً، عیناً (قید) (امروزه به معنای مستقیم، مقابل دروغ)

قلمرو ادبی

دریا مانند زلزله بود: تشبیه / تن دریا و ساحل: تشخیص

قلمرو فکری

دریا دقیقاً مانند زلزله تنش را به تن ساحل چسبانده و خودش را رها کرده بود. (شکوه دریا)

وان همه هنگامه دریا بدید

چشمه کوچک چو به آنجا رسید

قلمرو زبانی

چو: هنگامی که / هنگامه: غوغا، داد و فریاد، شلوغی

قلمرو ادبی

هنگامه دریا: تشخیص / دریا: نماد جهان بی‌کران

قلمرو فکری

چشمه کوچک وقتی به آن جایگاه رسید و آن همه عظمت و غوغای دریا را دید... (با بیت بعد موقوف‌المعانی است.)

خویشتن از حادثه برتر کشد

خواست کزان ورطه، قدم در کشد

قلمرو زبانی

کزان: که از آن / ورطه: گرداب، گودال، مهلکه، گرفتاری / حادثه: واقعه

قلمرو ادبی

قدم در کشیدن چشمه: کنایه از عقب‌نشینی کردن، تشخیص / برتر کشیدن از حادثه: کنایه از دور کردن خود، خود را در امان نگه داشتن

قلمرو فکری

تصمیم گرفت که خودش را از آن گرفتاری کنار بکشد و از آسیب دریا در امان بماند....

لیک چنان خیره و خاموش ماند

کز همه شیرین سخنی، گوش ماند

قلمرو زبانی

خیره: سرگشته، حیران، فرومانده / لیک: اما

قلمرو ادبی

شیرین سخنی: حس آمیزی / گوش ماند: کنایه از سکوت / خاموش ماندن: کنایه از ساکت شدن

قلمرو فکری

اما آنچنان شگفت‌زده و ساکت شد و همه آن ادعا و شیرین زبانی خود را یکباره فراموش کرد و خاموش شد. (با دیدن شکوه دریا به کوچکی خود پی برد و ساکت شد)

نیما یوشیج (علی اسفندیاری)

گفتار

آمیختن دو یا چند حس و یا یک حس با پدیده‌ای ذهنی (انتزاعی) در کلام را «حس آمیزی» می‌گویند.

نونه: «حرف‌هایم مثل یک تکه «چمن روشن بود.»

«روشن بودن» امری دیدنی و «حرف»، شنیدنی است. شاعر در این مصراع، دو حس بینایی و شنوایی را با هم آمیخته است.

گفتار ۲

هر واژه امکان دارد در معنای حقیقی و یا معنای غیر حقیقی به کار رود، به معنای حقیقی واژه «حقیقت» و به معنای غیر حقیقی آن، «مجاز» می‌گویند.

«حقیقت»، اولین و رایج‌ترین معنایی است که از یک واژه به ذهن می‌رسد.

«مجاز»، به کار رفتن واژه‌ای است در معنی غیر حقیقی، به شرط آنکه میان معنای حقیقی و معنای غیر حقیقی واژه، ارتباط و پیوندی برقرار باشد؛

«سعدی»

تا نباشد در پس دیوار، گوش

پشت دیوار آنچه‌گویی، هوش دار

«گوش» اندام شنوایی است و در این معنا «حقیقت» است و نمی‌تواند در پس دیوار بیاید، شاعر در این بیت به مفهوم مجازی «گوش»، یعنی «انسان سخن‌چین» تأکید دارد.

«سعدی»

هر جا که تویی تفرج آنجاست

ما را سر باغ و بوستان نیست

سر: مجاز از قصد و اندیشه (سر محل و جایگاه «اندیشه» است).

«صافظ»

فتنه‌انگیز جهان نرگس جادوی تو بود

عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت

«نرگس» مجاز از «چشم» است. آنچه که «گل نرگس» و «چشم» را به هم پیوند می‌دهد و اجازه می‌دهد تا یکی به جای دیگری به کار رود، «شباهت» میان آن دو است. به این نوع مجاز، در اصطلاح ادبی «استعاره» می‌گویند.

مقایسه سروده زیر از سعدی با شعر نیما

خجل شد چو پهنای دریا بدید

یکی قطره باران ز ابری چکید

قلمرو زبانی

خجل: شرم‌منده / پهنای: وسعت

قلمرو ادبی

خجل شدن قطره باران: تشخیص / قطره باران، ابر، دریا: مراعات نظیر

قلمرو فکری

قطره بارانی از ابر چکید وقتی که شکوه دریا را دید خجالت کشید.

گر او هست حقا که من نیستم

که جایی که دریاست من کیستم؟

قلمرو زبانی

گر: اگر / حقا: حقیقتاً

قلمرو ادبی

کیستم، نیستم: تضاد، جناس

قلمرو فکری

قطره گفت من در برابر دریا اصلاً وجود ندارم. (کوچک دیدن قطره باران خود را در برابر دریا)

صدف در کنارش به جان پرورید

چو خود را به چشم حقارت بدید

قلمرو زبانی

حقارت: خواری، کوچکی / پرورید: پرورش داد

قلمرو ادبی

صدف پروردن: کنایه از به چیز ارزشمندی رسیدن

قلمرو فکری

وقتی که خودش را خوار و کوچک دید، به بزرگی و شکوه دست یافت. (تواضع سبب بزرگی است)

در نیستی کوفت تا هست شد

بلندی از آن یافت کاو پست شد

قلمرو زبانی

از آن: به خاطر / کاو: که او / کوفت: کوبید (زد)

قلمرو ادبی

پست، هست: جناس / در نیستی: اضافه استعاری / نیستی و هست: تضاد

قلمرو فکری

قطره به کمال رسید چون فروتن شد و تواضع پیش گرفت (تواضع: فروتنی سبب بزرگی است)

مقایسه

چشمه در شعر نیما، نماد افراد مغرور و خودخواه بود و خود را برتر از همه می‌دانست اما قطره در شعر سعدی با فروتنی در برابر دریا، به بزرگی رسید، قطره باران: نماد انسان‌های رشد یافته و خاک نهادهی است که غرور ندارند.

کنج حکمت 8 پیرایه خرد

■ در آگیری سه ماهی بود: دو حازم، یکی عاجز.

قلمرو زبانی

آگیری: برکه / حازم: محتاط

■ از قضا، روزی دو صیاد بر آن گذشتند و با یکدیگر میعاد نهادند که دام بیازند و هر سه را بگیرند.

قلمرو زبانی

از قضا: اتفاقاً (هم‌آوا با غزا، غذا) / میعاد: وعده، قرار / میعاد نهادند: قرار گذاشتند

■ ماهیان این سخن بشنودند؛ آنکه حزم زیادت داشت و بارها دست برد زمانه جافی را دیده بود، سبک روی به کار آورد و از آن جانب که آب در می‌آمد، بر فور بیرون رفت. در این میان، صیادان برسیدند و هر دو جانب آگیری محکم بیستند.

قلمرو زبانی

حزم: دوراندیشی، احتیاط / دست‌بُرد: هجوم و حمله / دست‌بُرد دیدن: مورد حمله و هجوم قرار گرفتن / جافی: ستمگر، ظالم / سبک: فوراً، سریع / برفور: فوراً، بی‌درنگ

قلمرو ادبی

دست برد زمانه: تشخیص / دست برد دیدن: کنایه

دیگری هم که از پیرایه خرد و ذخیرت تجربت بی بهره نبود، با خود گفت: «غفلت کردم و فرجام کار غافلان چنین باشد و اکنون وقت حیلست است.»

قلمرو زبانی

پیرایه: زیور، زینت / ذخیرت: پس انداز، اندوخته / تجربت: تجربه / بی بهره: بی نصیب / فرجام: عاقبت / غافل: نادان / حیلست: چاره‌گری

قلمرو ادبی

پیرایه خرد: اضافه تشبیهی

قلمرو فکری

چاره‌اندیشی به هنگام گرفتاری بی فایده نیست.

هر چند تدبیر در هنگام بلا فایده بیشتر ندهد، با این همه عاقل از منافع دانش هرگز نومید نگردد و در دفع مکیاید دشمن تأخیر صواب نبیند. وقت ثبات مردان و روز فکر خردمندان است.»

قلمرو زبانی

تدبیر: چاره‌اندیشی / بلا: گرفتاری / منافع: جمع منفعت / دفع: دور کردن / مکیاید: جمع مکیدت: مکرها، حيله‌ها / تأخیر: عقب انداختن / صواب: درست (هم‌آوا با ثواب) / ثبات: پایداری

قلمرو فکری

فواید بهره‌مندی از دانش / اقدام سریع انسان عاقل در برابر دشمن / ناکارآمدی تدبیر در برابر تقدیر

پس خویشتن مرده کرده بر روی آب می‌رفت. صیاد او را برداشت و چون صورت شد که مرده است، بینداخت. به حیلست خویشتن در جوی افکند و جان به سلامت برد.

قلمرو زبانی

صورت شد: به نظر آمد، تصور شد / مُرده کرد: به مردن زد

قلمرو ادبی

جان به سلامت برد: کنایه از زنده ماندن.

و آنکه غفلت بر احوال وی غالب و عجز در افعال وی ظاهر بود، حیران و سرگردان و مدهوش و پای کشان، چپ و راست می‌رفت و در فراز و نشیب می‌دوید تا گرفتار شد.

کلیده و دمنه. ترجمه نصرالله منشی

قلمرو زبانی

غالب: چیره (هم‌آوا با قالب) / عجز: ناتوانی / مدهوش: سرگردان / فراز: بالا / نشیب: پایین

قلمرو ادبی

پای کشان: کنایه از «با ناتوانی» / چپ و راست، فراز و نشیب: تضاد

قلمرو فکری

عواقب شوم ناتوانی و غفلت

۰/۵	۱. قلمرو زبانی (۷ نمره) معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) در آبگیری سه ماهی بود: دو حازم، یکی عاجز. ب) گفت در این معرکه یکتا منم
۰/۲۵	۲. با توجه به بیت زیر یک معادل معنایی برای واژه «روش» بیابید. رفتن ز مبدأ چو کمی گشت دور زین نمط آن مست شده از غرور
۰/۲۵	۳. با توجه به مصراع «وان همه هنگامه دریا بدید» معنی واژه «هنگامه» در کدام گزینه به درستی نیامده است؟ الف) غوغا (ب) داد و فریاد (پ) شلوغی (ت) شگفتی
۱/۲۵	۴. املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) خواست کز آن (ورطه - ورته) قدم در کشد. ب) دید یکی (بهر - بحر) خروشنده‌ای پ) (فروغ - فروق) رویت اندازی سوی خاک ت) آنکه غفلت بر احوال وی (قالب - غالب) و عجز در افعال وی ظا هر بود. ث) در دفع مکاید دشمن تأخیر (صواب - ثواب) نبیند.
۰/۷۵	۵. املاي درست کلمات نادرست را بنویسید. هفت افلاک - غلغله‌زن - زخیرت تجربت - رنگ و برازنده‌گی - پهنای دریا - چشم هقارت - نرگس جادو - فراز و نشیب
۰/۷۵	۶. نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) چون بدوم، سبزه در آغوش من / بوسه زند بر سر و بر دوش من (.....) ب) تویی رزاق هر پیدا و پنهان (.....) پ) عاقل از منافع دانش هرگز نومید نگردد. (.....)
۰/۵	۷. بیت زیر را براساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی مرتب کنید. قطره باران که در افتد به خاک زو بدمد بس گهر تابناک
۰/۵	۸. زمان فعل‌های مشخص شده را بنویسید. الف) از آن جانب که آب در می‌آمد، بر فور بیرون رفت. ب) چون بدوم، سبزه در آغوش
۱	۹. با توجه به بیت «گل از شوق تو خندان در بهار است / از آتش رنگ‌های بی‌شمار است» الف) نقش واژه «گل» نهاد است. ب) در بیت دو ترکیب اضافی به کار رفته است. پ) نقش واژه مشخص شده، مسند است. ت) «رنگ‌های بی‌شمار» ترکیب وصفی است. درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/>
۰/۵	۱۰. در بیت: به نام کردگار هفت افلاک / که پیدا کرد آدم از کفی خاک «کدام جزء حذف شده است؟ نوع حذف را بنویسید.
۰/۷۵	۱۱. از فعل‌های زیر، زمان‌های خواسته شده را با حفظ شخص بسازید. نمی‌دانم ← ماضی نقلی (.....) رسید ← مضارع اخباری (.....) چکیده است ← آینده (.....)

فابل مونه
گلببرگ انکلیسی (۱)
دهم

الف: اسم (noun)

اسم برای نام‌گذاری یک شخص (person)، حیوان (animal)، مکان (place)، شیء (thing)، و یا ایده (idea) بکار می‌رود.

۱. شخص یا حیوان (person or animal): از قبیل teacher, my sister, Radmehr, a dog,

۲. مکان (place): از قبیل school, city, jungle, Isfahan,

۳. شیء (thing): از قبیل bicycle, telephone, pencil,

۴. ایده یا نظر (idea): از قبیل love, interest, pain, beauty,

ب: انواع اسم

۱. اسامی عام (common nouns)

به اسامی گفته می‌شود که به اشخاص، اشیاء و اماکن به طوری کلی اشاره دارد، مانند girl, city, cow,

این اسامی قابل جمع بستن می‌باشند.

دانش آموزان او را خود را تحویل دادند.

The students handed in their papers.

۲. اسامی خاص (proper nouns)

به اسامی گفته می‌شود که به یک فرد خاص، یک مکان مشخص و یا یک زمان خاص اشاره دارد. مانند Ali, Kerman, Monday, Asia,

این اسامی عمدتاً جمع بسته نمی‌شوند. و همواره با حرف بزرگ شروع می‌شوند.

Last Friday, Mahsa travelled to Rasht to see Maryam.

جمعه پیش، مهسا به رشت سفر کرد تا مریم را ببیند.

ج: جمع بستن اسامی عام:

۱- با اضافه کردن S به انتهای اکثر اسامی به جمع تبدیل می‌گردند:

pen → pens boy → boys
town → towns game → games

توجه اگر اسمی به حروف sh / ch / s / o / x ختم گردد به جای s باید از es استفاده نمود.

dish → dishes bench → benches
lens → lenses box → boxes

توجه اگر اسمی به y ختم گردد، به شرطی که درست قبل از y حرف صدادار (a, e, i, o, u) نیامده باشد، y حذف شده و سپس ies می‌گیرد.

city → cities baby → babies

توجه بعضی از اسامی که به f و یا fe ختم می‌گردند باید f یا fe را حذف کرده و سپس ves اضافه نمود.

wife → wives knife → knives
wolf → wolves leaf → leaves

۲- برای جمع بستن بعضی از اسامی قاعده خاصی وجود ندارد و باید آن‌ها را آموخت. مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

مفرد	جمع	مفرد	جمع
man	men	woman	women
child	children	foot	feet
mouse	mice	tooth	teeth

د- نشانگرهای اسم (noun marker)

کلماتی که در ستون اول جدول آمده معمولاً قبل از اسامی عام قرار می‌گیرند.

Noun makers	example
a / an	a student / a city an apple / an egg
the	the girl / the book the women / the rooms
this / that	this bird / this car that class / that country
these / those	these films / these animals those boys / those mice
my / your / his / her / its / our / their	his coat / my mother / your hair / their teacher /
Some / any / many / much /	Some money / some books many student / much time

فرم صحیح اسامی داخل پرانتز را از نظر مفرد و یا جمع بودن، در جای خالی بنویسید.

مثال

1. These do not care about wildlife at all. (person) (فرزآنگان - آبدارن - دی ۱۴۰۰)
2. I saw some.....and a lion in the zoo. (wolf) (فرزآنگان - آبدارن - دی ۱۴۰۰)
3. My uncle is sixtall. (foot) (فرهنگ و آموزش - قزوین - ۱۴۰۱)
4. There are a lot of in this house.(baby) (تالیفی)

پاسخ

1.persons: این اشخاص اصلاً توجهی به حیات وحش ندارند.

توجه: بعد از these، و همچنین those همواره اسم قابل شمارش جمع می‌آید.

2.wolves: من تعدادی گرگ و یک شیر در باغ وحش دیدم.

توجه: اگر بعد از some اسم قابل شمارش بیاید، باید به صورت جمع بکار رود. همان طور که در درسنامه گفته شد، بعضی از اسامی که به f و یا fe ختم می‌گردند برای جمع بستن f و یا fe به ves تغییر می‌کند.

3.feet: عمومی من شش فوت قد دارد.

4.babies: اطفال زیادی در این خانه وجود دارند.

توجه: اگر بعد از a lot of اسم قابل شمارش بیاید، باید به صورت جمع بکار رود. همان طور که در درسنامه گفته شد، اسامی که به y ختم می‌گردند، اگر قبل از آن یک حرف بی‌صدا باشد برای جمع بستن آن y به ies تغییر می‌کند.

در متن زیر ۴ اشتباه نگارشی وجود دارد. آن‌ها را یافته و تصحیح کنید.

مثال

My uncle is a farmer. He has four child. His son wants to be a postmen. They live in a beautiful small village near yazd. They keep a lot of goats. A wolf hunted one of their goats, but they didn't kill wolfes because they are endangered.

(هدف - تهران - دی ۱۴۰۰)

پاسخ

wolfes → wolves

yazd → Yazd

child → children

postmen → postman

مثال

متن زیر را خوانده و اسامی را پیدا کرده و در جدول زیر در جای مناسب قرار دهید. (اسامی تکراری را فقط یک بار بنویسید).
 I like animals, for example pandas and elephants. They are beautiful. Asian elephants live in India and Malaya. They eat fruits and plants. All animals need attention and kindness. We should protect them. (تلاش - تهران - فرورد ۱۴۰۰)

place	thing	animal	idea

پاسخ

place (مکان)	thing (شیء)	animal (حيوان)	idea (ایده)
India	fruits	elephants	attention
Malaya	plants	pandas	kindness

بخش پنجم: Reading Comprehension

- ۱- قبل از خواندن متن صورت سوالات را به سرعت بخوانید.
- ۲- متن را بخوانید، ولی درگیر کلمات نا آشنا نشده و تلاش کنید مفهوم کلی آن را حدس بزنید.
- ۳- دوباره به تک تک سوالات بازگشته و سعی کنید پاسخ آن را در متن یافته و یا استنباط کنید.

مثال

Hi! My name is Behzad. I'm a zookeeper. I work in a beautiful zoo in Iran. We have a lot of animals from all over the world. Leopards, giraffes and lions from Africa, tigers and elephants from Asia and some kangaroos from Australia. We also keep some great animals from Iran such as Iranian cheetahs and zebras. Iranian zebras live in the plain of Tooran in the center of Iran. The Iranian cheetah is an endangered animal. There are only about 70 of them in the east and central plains of Iran. Cheetahs run very fast. They are very good hunters, but there aren't many animals to hunt in wildlife these days. So, they are in danger and need our help. Here, in our zoo, we take care of two Iranian cheetahs. We hope they increase and in near future, we will have a lot of them in the plains of Iran. (نزدیک به عنوان درس اول)

Answer the following questions:

1. Where do Iranian zebras live?
2. How many Iranian cheetahs are there in the plains of Iran?
3. How can we help cheetahs to increase?

Choose the best answers:

4. The underlined pronoun "them" in the last line refers to..... .
- a) plains b) Iranian cheetahs c) all animals d) hunters

True or False?

5. There are a lot of cheetahs in Iran. a) true b) false
6. Kangaroo is an Australian animal . a) true b) false

1. They live in the plain of Tooran (in the center of Iran)

آن‌ها در دشت توران (در مرکز ایران) زندگی می‌کنند. (خط ۴)

2. There are only about 70 of them.

فقط حدود ۷۰ قلاده از آن‌ها وجود دارد. (خط ۵)

3. We can take care of them to increase in future.

ما می‌توانیم از آن‌ها مراقبت کنیم تا در آینده افزایش یابند. (استنباط از خط ۷)

4.(b): ضمیری که در خط آخر زیر آن خط کشیده شده اشاره به چیتا (یوزپلنگ) های ایرانی دارد.

5.(b): چیتا (یوزپلنگ) های زیادی در ایران وجود دارد. (غلط)

6.(a): کانگورو یک حیوان استرالیایی است (صحیح)

A: Vocabulary

۲

۱. با کلمات داده شده جملات زیر را کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

increase / hope / died out / safe / wildlife

1. It is good to give information to our family about and forests.

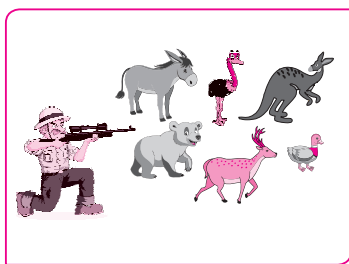
2. When you keep the nature clean and, the animals will live longer.

3. Dinosaurs about 65 million years ago.

4. By protecting endangered animals, the number of cheetahs will in the future.

۱

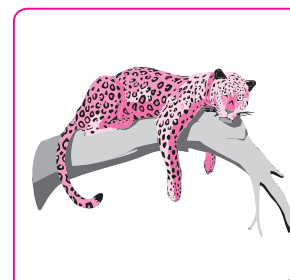
۲. برای هر کدام از تابلوها یک جمله مناسب پیدا کنید. (یک تصویر اضافی است.)



(A)



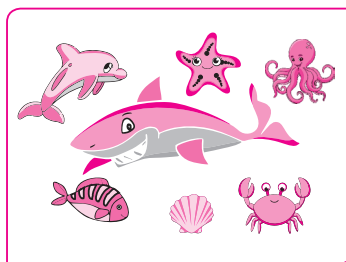
(B)



(C)



(D)



(E)

فابل مونه
گلببرگ جغرافيا (۱)
دهم

درس چهارم: (ناهمواری‌های ایران)

درس‌نامه

- در ایران پراکندگی سکونت‌گاه‌ها در همه جا یکسان نیست و تعداد آن‌ها در مناطق پایکوهی بیش‌تر و جمعیت در آن‌ها متراکم‌تر است.
- بخش اعظم سرزمین ما را نواحی کوهستانی و مرتفع تشکیل می‌دهد که بر تشکیل اجتماعات انسانی، نوع معیشت مردم و حتی بر تاریخ کشور ما تاثیر گذار بوده است.
- آریوبرزن سردار ایرانی با استفاده از تنگه تکاب در ارتفاعات زاگرس در استان خوزستان در برابر حمله اسکندر مقدونی به ایران دفاع کرد.
- در سال‌های پایانی دفاع مقدس، رزمندگان اسلام در منطقه اسلام آباد غرب و کرند غرب (تنگه چهار زبر واقع در استان کرمانشاه) با استفاده از موقعیت کوهستانی و عوارض طبیعی منطقه، عملیات مرصاد را با موفقیت اجرا کردند.
- ناهمواری‌های ایران بیش‌تر طی دوران‌های اول تا سوم زمین‌شناسی پدید آمده است و پیدایش نهایی آن‌ها به اواخر دوران سوم زمین‌شناسی (سنوزوئیک) مربوط است.
- در دوره کواترنر ناهمواری‌های کشور ما شکل نهایی یافته و از آن پس تحت تاثیر عوامل فرسایش (آب‌های روان، یخچال‌ها، اختلاف دما) به همراه عملکرد انسان تغییر شکل داده شده است.

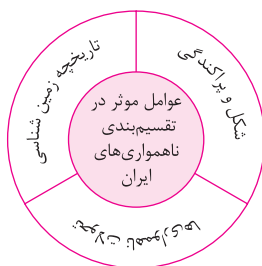
الف) سرزمین‌های کوهستانی که اغلب بیش از ۱۰۰۰ متر از سطح دریاهای آزاد ارتفاع دارند.

تقسیمات ناهمواری‌های ایران

دشت‌های داخلی

ب) سرزمین‌های پست و ناهموار

پلگه‌های ساحلی



منطقه کوهستانی شمال ایران

- الف) منطقه کوهستانی آذربایجان
- ب) منطقه کوهستانی تالش
- ج) منطقه کوهستانی البرز
- د) کوه‌های شمال خراسان

منطقه کوهستانی آذربایجان

- رشته کوه ارسباران (قره‌داغ در شمال منطقه)
- رشته کوه مرزی ایران و ترکیه در شمال و غرب منطقه
- قله‌های آتشفشانی سهند و سبلان
- کوهستان‌های تالش با جهت شمالی- جنوبی، منطقه آذربایجان را از کناره‌های دریای خزر جدا کرده است و شیب عمومی این کوه‌ها به سمت خزر بیش‌تر از منطقه آذربایجان است.

منطقه کوهستانی البرز

- محدوده: از تنگه منجیل در امتداد غربی- شرقی تا کوه‌های شاه کوه در نزدیکی شاهرود و گردنه خوش بیلاق
- دامنه‌های کوه‌ها: به سمت شمال و جنوب

نحوه شکل‌گیری:

۱. کوه‌زایی مواد رسوبی طی میلیون‌ها سال
 ۲. فعالیت آتشفشانی دوره‌کواترنر: قلّه دماوند
- قله‌های مهم: دماوند، علم‌کوه، تخت سلیمان و توجال

عوامل موثر در تاپاباری شکل البرز

گسترش شهرهای پیر رونق اقتصادی مانند تهران و کرج
 احداث جاده‌های ارتباطی
 احداث سدها و هدایت رودخانه‌ها و بهره‌برداری از آنها
 گسترش فعالیت‌های گوناگون کشاورزی
 بهره‌برداری از معادن فراوان این کوه‌ها

کوه‌های شمال خراسان

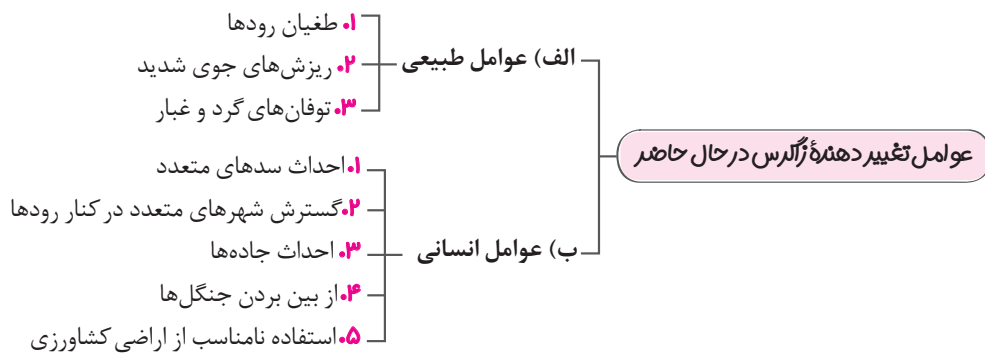
شکل: منظم و موازی در شمال شرقی ایران
 رشته کوه‌های مهم: هزار مسجد، آلاداغ و بینالود (در اطراف نیشابور)

منطقه کوهستان غربی زاگرس

شکل: دیواره‌ای با دره‌های موازی
 جهت: شمال غربی - جنوب شرقی
 محدوده: از مریوان در کردستان تا تنگه هرمز
 نحوه پیدایش: برخورد دو صفحه شبه جزیره عربستان و صفحه اوراسیا

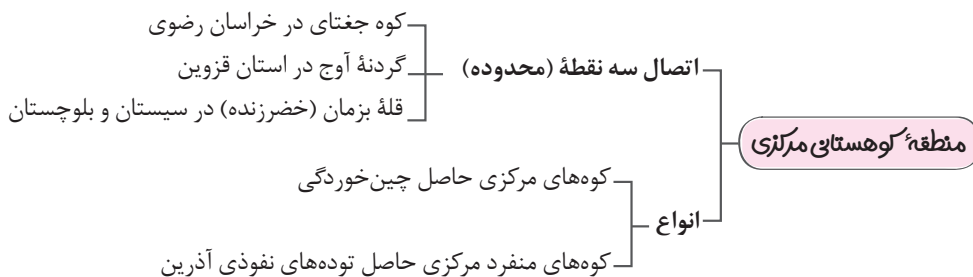
گلبزرگ

یکی از زیباترین و فعال‌ترین پدیده‌های رشته کوه زاگرس، گنبد‌های نمکی است که به شکل تقریباً گنبدی بر اثر عوامل درونی و وزن مخصوص کم‌تر نمک نسبت به رسوبات اطراف خود بالا می‌آید.



گلبزرگ

خوزستان، لرستان و ایلام استان‌های زاگرسی هستند.



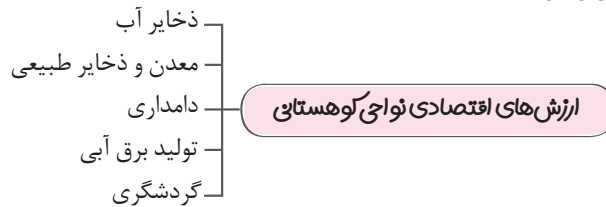
کوه‌های شرقی و جنوب شرقی:

محدوده: جنوب استان سیستان و بلوچستان و اطراف چاله جازموریان در کرمان (منطقه مکران)
 رشته کوه مهم: بشاگرد با ارتفاع نسبتاً کم و فرسوده

در کوه‌های بشاگرد، فرسایش، شکل‌های زیبایی با دره‌ها، چاله‌ها و گودال‌های عمیق ایجاد کرده است که آن‌ها را «ناهمواری‌های مریخی» و «کوه‌های مینیاتوری» هم می‌نامند.

گل‌فشان:

محدوده: استان هرمزگان و جنوب استان سیستان و بلوچستان تا دریای عمان
شکل: گنبدی یا مخروطی به صورت حوضچه‌های مملو از آب و گل
علت پیدایش: خروج گاز یا بخار آب از اعماق زمین



استفاده از قابلیت‌های نواحی کوهستانی باید با در نظر گرفتن اصول محیط زیستی و مطالعات کارشناسانه صورت گیرد.

- تعریف دشت: سرزمین‌های هموار یا نسبتاً همواری که حصار کوهستانی آن را فرا گرفته است.

علل پیدایش دشت‌ها

مثال	چگونگی پیدایش
دشت کاکان در فارس	- ایجاد شدن هنگام چین‌خوردگی در حد فاصل تاقدیس‌ها و در میان ناودیس‌ها
دشت نهاوند در همدان	- به وجود آمدن بر اثر انباشت مواد حاصل از فرسایش در نواحی پست
ماهی دشت در کرمانشاه دشت ارزن در فارس	- حاصل انحلال مواد آهکی و هموار شدن زمین‌ها
دشت لوت	- حاصل گسل خوردگی و فرونشست بخشی از پوسته زمین و فرسایش آبی و بادی

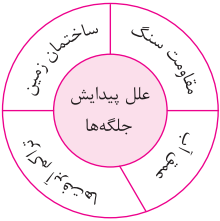


توفان‌ها و بادهای شدید به فرسایش و جابه‌جایی مواد در دشت‌ها مشغول‌اند و تپه‌های ماسه‌ای و دیگر پدیده‌های طبیعی مثل شوره‌زارها، بستر رودها و دشت‌های ریگی را از نظر وسعت و مکان تغییر می‌دهند.

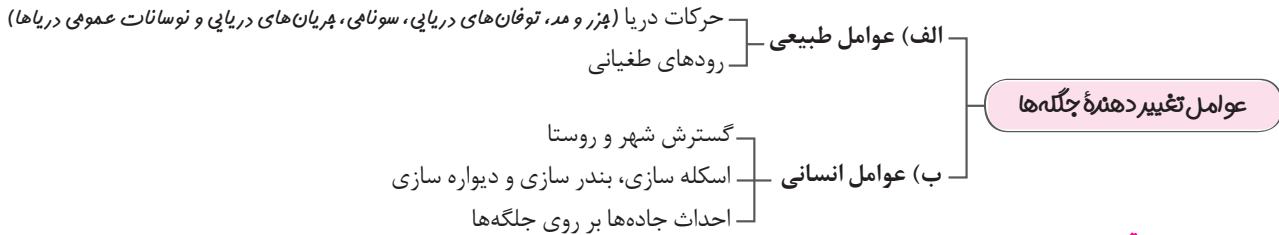
ارزش‌های اقتصادی دشت‌ها:

۱. جاذبه‌های گردشگری
۲. استفاده از انرژی پاک مانند انرژی خورشیدی و باد
۳. گذران اوقات فراغت برای رصد کردن ستارگان، کویرنوردی و برگزاری مسابقات ورزشی
۴. معادن گچ، نمک و مصالح ساختمانی
۵. فعالیت‌های کشاورزی

- تعریف جلگه: سرزمین‌های همواری که از یک طرف به کوه‌ها و از طرف دیگر به دریاچه‌ها منتهی می‌شوند.

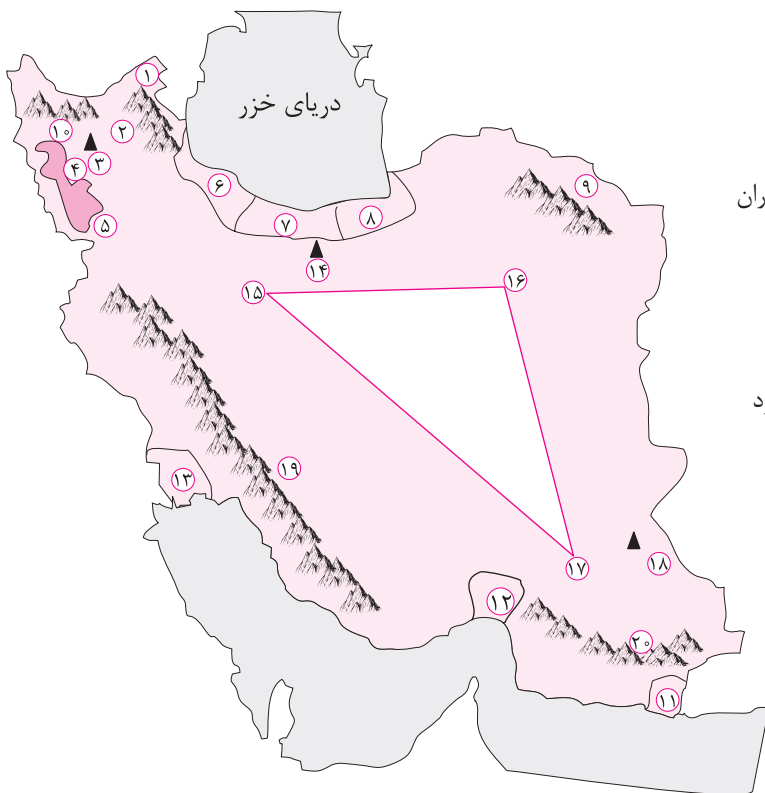


جلگه‌ها به دلیل حاصلخیز بودن خاک، جمعیت زیادی را در خود جای می‌دهد. **کلمه**



ارزش اقتصادی جلگه‌ها:

- بهترین مکان برای کشاورزی
- گذران اوقات فراغت
- ارزش ارتباطی
- منابع طبیعی (نفت و گاز)
- پرورش آبزیان



- | | |
|---------------------|-----------------------|
| ۱) جلگه مغان | ۲) رشته کوه تالش |
| ۳) قله سهند | ۴) جلگه تلخه رود |
| ۵) جلگه میان‌دوآب | ۶) جلگه گیلان |
| ۷) جلگه مازندران | ۸) جلگه گرگان |
| ۹) رشته کوه بینالود | ۱۰) رشته کوه ارسباران |
| ۱۱) جلگه باهوکلان | ۱۲) جلگه میناب |
| ۱۳) جلگه خوزستان | ۱۴) قله دماوند |
| ۱۵) گردنه آوج | ۱۶) کوه جغتای |
| ۱۷) کوه بزمان | ۱۸) قله تفتان |
| ۱۹) رشته کوه زاگرس | ۲۰) رشته کوه بشاگرد |

۱	الف) درست یا نادرست بودن هریک از عبارتهای زیر را مشخص کنید. ۱. یکی از زیباترین و فعال‌ترین پدیده‌های رشته کوه زاگرس، گل‌فشان‌ها هستند. (فرزادگان - کرمان - دی ۱۴۰۱) ۲. تعداد سکونت‌گاه‌های شهری و روستایی در مناطق پایکوهی بیش‌تر و جمعیت آن‌ها متراکم‌تر است. ۳. کوه‌های شمال خراسان به شکل منظم و موازی در شمال شرقی ایران قرار دارند. ۴. گنبدهای نمکی بر اثر عوامل درونی و وزن مخصوص بیش‌تر نمک نسبت به رسوبات اطراف خود بالا می‌آید. درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/>
۱	ب) عبارتهای زیر را کامل کنید. ۵. رشته کوه زاگرس از برخورد صفحهٔ عربستان و به وجود آمده است. ۶. کوه جغتای در قرار دارد. ۷. کوهستان‌های تالش با جهت واقع شده‌اند. ۸. رشته کوه با جهت شمال غربی - جنوبی شرقی کشیده شده است.
۲	پ) هر یک از عبارتهای ستون «الف» با یکی از عبارتهای ستون «ب» ارتباط دارد، آن‌ها را بیابید. (توجه: یک مورد اضافی است). <div style="display: flex; justify-content: space-between;"> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; width: 45%;"> <p style="text-align: center; color: red; font-weight: bold;">(ب)</p> <p>الف) دشت کاکان <input type="checkbox"/></p> <p>ب) دشت ارژن <input type="checkbox"/></p> <p>پ) دشت مغان <input type="checkbox"/></p> <p>ت) دشت نهاوند <input type="checkbox"/></p> <p>ث) دشت لوت <input type="checkbox"/></p> </div> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; width: 45%;"> <p style="text-align: center; color: red; font-weight: bold;">(الف)</p> <p>۹. بر اثر انباشت مواد حاصل از فرسایش در نواحی پست به وجود آمده‌اند.</p> <p>۱۰. غسل خوردگی و فرونشست بخشی از پوسته زمین موجب شکل‌گیری آن است.</p> <p>۱۱. در هنگام چین خوردگی و در حد فاصل تاقدیس‌ها ایجاد شده‌اند.</p> <p>۱۲. حاصل انحلال مواد آهکی و هموار شده زمین‌ها است.</p> </div> </div>
۱	ت) گزینه صحیح را انتخاب کنید. ۱۳. کدام مورد، از مشخصات منطقهٔ کوهستانی البرز است؟ (۱) امتداد چین خوردگی این منطقه، آذربایجان را از کناره‌های دریای خزر جدا کرده است. (۲) از تنگهٔ منجیل شروع می‌شود و در امتداد طول جغرافیایی تا کوه‌های شاه کوه ادامه دارند. (۳) قله دماوند در این منطقه از طریق فعالیت‌های آتشفشانی در دوران دوم شکل گرفته است. (۴) در جهت شمالی - جنوبی قرار دارد و امتداد شکل‌گیری آن با کوه‌های تالش متفاوت است. ۱۴. کدام مورد با دلایل ناپایداری «دامنهٔ شمالی البرز» مغایرت دارد؟ (۱) شیب زیاد دامنه‌ها (۲) افزایش وزن دامنه‌ها (۳) جریان آب حاصل از بارندگی (۴) حجم زیاد رسوبات فرسایش یافته ۱۵. کدام گزینه با دلیل شکل‌گیری «کوه‌های بشاگرد» مطابقت دارد؟ (۱) تکامل فرسایش بادی و آبی (۲) برخورد خرده صفحات عمان و ایران (۳) عوامل درونی و خروج گاز و بخار آب از اعماق زمین (۴) جابه‌جایی رسوبات رودخانه‌ای و تشکیل شکل‌های جدیدی از ناهمواری در سطح زمین ۱۶. ماهی دشت کرمانشاه از نظر نحوه پیدایش با کدام دشت یکسان است؟ (۱) کاکان (۲) لوت (۳) نهاوند (۴) ارژن
۱	ث) به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید. ۱۷. گل‌فشان‌ها در کدام محدوده واقع شده‌اند؟ ۱۸. بخش اعظم چین خوردگی وسیع رشته کوه البرز حاصل چیست؟ ۱۹. دو مورد از استان‌های زاگرسی را نام ببرید. ۲۰. دو مورد از عوامل پیدایش جلگه‌ها را نام ببرید. (فرزادگان - فسا - دی ۱۴۰۱)

فابل مونه
گلببرگ دپن و زنگی (ا)
دهم انسانی

درس سیزدهم: (فضیلت آراستگی)

درسنامه

درس ۱۳ (دریک نگاه)

آراستگی شیوه پیشوایان دین

مقبولیت

عفاف ← ارتباط عفاف با آراستگی و مقبولیت

زن مظهر عفاف

آراستگی شیوه ی پیشوایان دین

تعریف آراستگی: آراستگی به معنای بهتر کردن وضع ظاهری و باطنی و زیبا نمودن این دواست.

انواع آراستگی

دو نوع آراستگی داریم:

۱. آراستگی باطنی که ^(نتیجه) ← برخورداری روح انسان از صفات زیبایی همچون ادب، حُسن خلق، سخاوت و مهربانی است.

۲. آراستگی ظاهری که ^(نتیجه) ← مرتب بودن وضع ظاهر و توجه به نظافت و زیبایی است.

گفتار

۱. انسان به طور طبیعی به آراستگی علاقه دارد و می‌کوشد تا هم درون خود را آراسته کند و هم با ظاهری آراسته در جامعه حضور یابد.

۲. پیشوایان ما هم در آراستگی باطنی خود تلاش می‌کردند ^(یعنی) ← آراسته به زیبایی‌های اخلاقی بودند و هم به آراستگی ظاهری خود توجه داشتند و مؤمنان را نیز به رعایت آن دعوت می‌کردند و آراستگی را از اخلاق مؤمنان می‌دانستند.

به طور مثال:

۱. هنگامی که کسی در خانه پیامبر (ص) را می‌زد و قصد ملاقات با ایشان را داشت، آن حضرت ابتدا به آینه نگاه می‌کرد و موهای خود را شانه می‌زد و لباس خود را مرتب‌تر می‌کرد و می‌فرمود: «خدای تعالی دوست دارد وقتی بنده‌اش به سوی دوستان خود می‌رود، آماده و آراسته باشد.»

۲. روزی یکی از مدعیان زهد و پرهیز از دنیا، امام صادق (ع) را دید که لباس زیبایی پوشیده است. وی به امام گفت: جدّ شما این‌گونه لباس‌ها را نمی‌پوشید. امام فرمود: «در آن زمان مردم در سختی بودند، اما امروز ما در شرایط بهتری هستیم و عموم مردم توانایی پوشیدن چنین لباسی را دارند.» همچنین ایشان می‌فرماید «خداوند آراستگی و زیبایی را دوست دارد و از نپرداختن به خود و خود را زولیده نشان دادن، بدش می‌آید.» و نیز فرمود: «دو رکعت نماز که با بوی خوش گذارده شود، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است.» پیشوایان دین به هر یک از گروه مردان و زنان نیز سفارش‌های جداگانه‌ای می‌کردند، به عنوان نمونه:

نمونه اول: پیامبر (ص) به مردان می‌فرمود: «سبیل و موهای بینی خود را کوتاه کنید و به خودتان برسید زیرا این کار بر زیبایی شما می‌افزاید.»

نمونه دوم: پیامبر (ص) با وجود آنکه مردان را به کوتاه کردن ناخن سفارش می‌کرد اما به زنان توصیه می‌کرد «ناخن‌های خود را مقداری بلند بگذارند چون برای آنان زیباتر است.» این شیوه رسول خدا (ص) و پیشوایان دیگر ما ^(سبب شد) ← که مسلمانان در اندک مدتی به آراسته‌ترین و پاکیزه‌ترین ملت‌ها تبدیل شوند. ۲. و الگو و سرمشق ملت‌های دیگر قرار گیرند.

گفتار

۱. آراستگی، اختصاص به زمان حضور در اجتماعات و معاشرت‌ها ندارد ^(بلکه) ← شامل زمان حضور در خانواده، و از آن مهم‌تر زمان عبادت نیز می‌شود.

توصیه‌های مهم پیشوایان دین هنگام عبادت

۱. استفاده از عطر

۲. شانه زدن موها

۳. پوشیدن لباس‌ها روشن و تمیز

۴. پاک بودن تمامی بدن

۲. تکرار دائمی نماز در شبانه روز

۱. این آراستگی و پاک‌ی را در طول روز حفظ می‌کند.

۲. زندگی را پاک و باصفا می‌سازد.

مقبولیت

یکی از نیازهای انسان، نیاز به مقبولیت در جمع خانواده، همسالان و جامعه است. ما دوست داریم دیگران ما را فرد مفید و شایسته‌ای بدانند و تحسین کنند. این نیاز در دوران جوانی و نوجوانی نمود بیشتری دارد و **(سبب می‌شود)** که نوجوان و جوان بیشتر به خود بپردازد و توانایی‌ها و استعدادهای خود را کشف و شکوفا کند و در معرض دید دیگران قرار دهد.

مثلاً:

جوانی که با نشان دادن استعداد خود در یک رشته ورزشی یا خلق اثر هنری یا کاری مؤثر در کارگاه صنعتی، تحسین دیگران را برانگیزد، از این قبیل است.

البته:

اندک افرادی نیز وجود دارند که به این نیاز طبیعی پاسخ‌های درستی نمی‌دهند و با:

۱. پوشیدن لباس‌های نامناسب

۲. یا به کار بردن کلام زشت و ناپسند

۳. یا گذاشتن سیگاری بر لب

می‌خواهند وجود خود را برای دیگران اثبات کنند. این قبیل اعمال **(نشانه)** ضعف روحی و ناتوانی در اثبات خود از راه درست و سازنده است.

عفاف

تعریف عفاف: «عفاف» حالتی در انسان است که به وسیله آن خود را در برابر تندروری‌ها و کندروری‌ها کنترل می‌کند تا بتواند در مسیر اعتدال و میانه‌روی پیش رود و از آن خارج نشود.

یعنی: در برآورده کردن هر یک از علایق و نیازهای درونی، به گونه‌ای عمل نمی‌کند که یا به طور کامل غرق در آن شود و از دیگر نیازها غافل شود یا به طور کل آن‌ها را کنار بگذارد. و به کوتاهی و تفریط دچار شود. **(بلکه)** در حد مطلوب و صحیح به برآورده کردن همه نیازها توجه دارد.

تعریف تبرّج: برخی انسان‌ها در آراستگی ظاهری و ابراز و وجود و مقبولیت، دچار تندروری می‌شوند، به گونه‌ای که در آراسته کردن خود، زیاده‌روی می‌کنند و به خودنمایی می‌رسند. قرآن کرم این حالت را «تبرّج» می‌نامد و آن را کاری «جاهلانه» می‌شمارد.

سوال چرا اسلام ما را به آراستگی توصیه می‌نماید و از خودنمایی و افراط در آراستگی پرهیز می‌دهد؟

پاسخ: زیرا زیاده‌روی در آراستگی و توجه بیش از حد به آن **(باعث)** غفلت انسان از هدف زندگی و مشغول شدن به کارهایی می‌شود که عاقبتی جز دور شدن از خدا ندارد.

ارتباط عفاف با آراستگی و مقبولیت: انسان عقیف، چه مرد و چه زن، خود را کنترل می‌کند و آراستگی خود را در حد متعادل نگه می‌دارد و به «تبرّج» دچار نمی‌شود. انسان عقیف زیبایی ظاهری خود را وسیله خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار نمی‌دهد و اجازه نمی‌دهد که به شخصیت انسانی او توهین شود. او حیا می‌کند که برخی افراد به خاطر امور سطحی و کوچک، زبان به تحسین و تمجید او بکشایند و به او به عنوان ابزاری برای لذت جویی نگاه کنند. او در وجود خود، استعدادها و ارزش‌های برتر و والاتری می‌یابد که می‌تواند تحسین و احترام واقعی دیگران را برانگیزد.

هچنین:

یک انسان عقیف، از مقبولیت نزد همسالان و جامعه گریزان نیست **(ما)** خود را با ارزش‌تر از آن می‌داند که این مقبولیت را از راه جلب توجه ظاهری به دست بیاورد و خود را در حد ابزاری برای هوسرانی دیگران پایین آورد.

بنا بر این:

به همان میزان که رشته‌های عفاف در روح انسان قوی و مستحکم می‌شود، نوع آراستگی و پوشش او باوقارتر و به همان میزان که رشته‌های عفاف انسان ضعیف و گسسته می‌شود، آراستگی و پوشش او سبک‌تر و جنبه خودنمایی به خود می‌گیرد.

دو صحبت:

امام علی (ع): «مبادا خود را برای جلب توجه دیگران بیارایی که در این صورت ناچار می‌شوی با انجام گناه به جنگ خدا بروی.»

امام صادق (ع): «لباس نازک و بدن نما نپوشید زیرا چنین لباسی نشانه سستی و ضعف و بی‌زاری است.»

زن مظهر عفاف

گرچه عفاف، خصلت هر انسان با فضیلتی، اعم از زن و مرد است اما وجود آن در زنان و دختران ارزش بیشتری دارد **(زیرا)** خداوند زنان را بیش از مردان به نعمت زیبایی آراسته است. زن، مظهر جمال و زیبایی است و این زیبایی، هم درونی و هم ظاهری است. احساسات لطیف زن که بیانگر زیبایی‌های درونی وی است، با زیبایی ظاهری او عجین شده است، برای حفظ همین نعمت است که خداوند احکام ویژه‌ای را برای زن قرار داده است **(ت)** گوهر زیبایی وجودش از نگاه ناهلان دور بماند و روح بلندش تحقیر نشود.

- کلمه** ۱. دریافت هر نعمتی از جانب خدا، مسئولیتی را نیز به همراه می‌آورد، همان‌طور که اگر کسی به نعمت علم زیننده شد، نباید علمش را ابزار دست قدرتمندان ستم پیشه کند، نعمت زیبایی نیز نباید در خدمت هوسرانان قرار گیرد.
۲. همان‌گونه که اگر انسان از علم خود به درستی استفاده نکند، به جای رستگاری، شقاوت نصیبش می‌شود، عرضه نابجای زیبایی، به جای گرمی بخشیدن به کانون خانواده ← عفت و حیا را از بین می‌برد و این گوهر مقدس را از او می‌گیرد.

اندیشه و تحقیق

سوال ۱ چه تفاوتی میان آراستگی و خودنمایی ظاهری است؟

پاسخ: در آراستگی انسان به دنبال بهتر کردن وضع ظاهری خویش است اما خودنمایی باعث غفلت از هدف اصلی زندگی می‌شود.

سوال ۲ چرا خصلت ارزشمند عفاف در وجود زنان از ارزش بیشتری برخوردار است؟

پاسخ: زیرا خداوند زنان را بیش از مردان به نعمت زیبایی آراسته است و عرضه نابجای زیبایی، به جای گرمی بخشیدن به کانون خانواده، عفت و حیا را از بین می‌برد و این گوهر مقدس را از او می‌گیرد.

۲۰ نمره

آزمون درس سیزدهم

۱۳

۲	<p>الف) درستی یا نادرستی گزاره‌های زیر را با (درست / نادرست) مشخص کنید.</p> <ol style="list-style-type: none"> آراستگی باطنی نتیجه آراستگی ظاهری است. آراستگی اختصاص به زمان حضور در اجتماعات ندارد. افراط در آراستگی مورد تأیید اسلام نیست. ضعیف شدن عفاف باعث ضعیف شدن آراستگی می‌شود. <p>درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/></p> <p>درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/></p> <p>درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/></p> <p>درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/></p>
۲	<p>ب) جملات زیر را با کلمات مناسب کامل کنید.</p> <ol style="list-style-type: none"> آراستگی نتیجه برخورداری روح انسان از صفات زیباست. قرآن کریم تبرج را کاری می‌شمرد. لباس نازک و بدن‌نما نشانه است. وجود عفاف در و ارزش بیشتری دارد. <p>(مهتاب - توران - فرادر ۹۹)</p>
۱	<p>پ) گزینه صحیح را مشخص کنید.</p> <ol style="list-style-type: none"> امام صادق (ع) استفاده از کدام پوشش را نهی نموده است و علت آن چیست؟ لباس نامناسب - ضعف دینداری لباس نازک - به جنگ خدا رفتن لباس بدن‌نما - به جنگ خدا رفتن <p>از دیدگاه اسلام باعث غفلت انسان از هدف اصلی زندگی می‌شود.</p> <p>۱) عدم مقبولیت ۲) لباس نازک ۳) آراستگی ظاهری ۴) زیاده روی در آراستگی</p> <p>(کنکور سراسری - ۱۴۰۰)</p>
۲/۵	<p>ت) به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.</p> <ol style="list-style-type: none"> دو نوع آراستگی را نام ببرید. خداوند چه کاری را جاهلانه معرفی می‌کند؟ چرا پیشوایان دینی ما را از پوشیدن لباس نازک و بدن‌نما نهی کرده‌اند؟ بر اساس سخن حضرت علی (ع) آراستگی برای جلب توجه دیگران باعث چه چیزی می‌شود؟ عرضه نابجای زیبایی‌ها توسط زن چه نتیجه‌ای به دنبال دارد؟
۳	<p>د) تعریف مفاهیم</p> <ol style="list-style-type: none"> آراستگی عفاف تبرج

فابل مونه
گلببرگ اقتصاد
دهم

درس هشتم: (رکود، بیکاری و فقر)

درسنامه

برخی شغل‌ها در طول زمان از بین می‌روند و برخی دیگر به وجود می‌آیند و این چیزی است که دائم در اقتصاد در حال تکرار است.

عوامل بیکاری

۱. ضعیف بودن ساختار اقتصادی
۲. قاچاق
۳. واردات بی‌رویه
۴. تحریم‌های اقتصادی
۵. تغییرات در فناوری‌های صنعتی و روبه‌های تولید

عوامل بیکاری ← بیکار شدن افراد ← کاهش تولیدات شرکت‌ها و کارخانه‌ها ← رکود اقتصاد کشور

منابع غیرفعال و منحنی مرز امکانات تولید

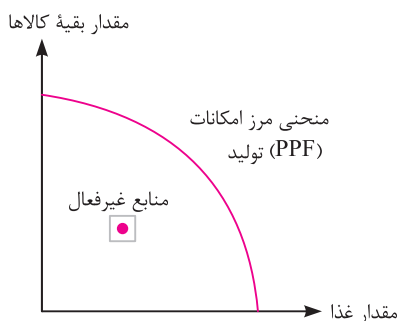
- کاهش تولید و پدید آمدن رکود ← منجر به نیاز کمتر به نیروی کار و سرمایه ← نتیجه تولید (کارگران و...) بیکار می‌شوند. منابع بیکار زیر مرز امکانات قرار می‌گیرند ← منجر ایجاد ناکارایی در

اقتصاد ← نتیجه قرار گرفتن کشور در زیر منحنی مرز امکانات - در نتیجه این قرار گرفتن زیر منحنی مرز امکانات تولید:

۱. بسته شدن برخی از کارخانه‌ها

۲. بیکاری برخی از کارگران

منابع غیرفعال: منابعی هستند که می‌توانند برای تولید کالاها و خدمات مورد استفاده قرار بگیرند اما از آن‌ها برای تولید هیچ چیزی استفاده نمی‌شود.

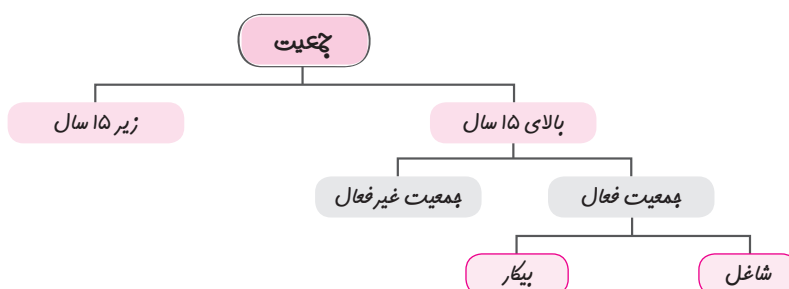


اشتغال و بیکاری

شاغل: کسانی که در ازای کاری که انجام می‌دهند، دستمزد یا حقوق می‌گیرند. که می‌تواند پاره‌وقت یا تمام‌وقت باشد. بیکار: کسانی که بالاتر از ۱۵ سال دارند و در جستجوی کار هستند اما کاری برای خود پیدا نمی‌کنند.

افراد خانه‌دار، بازنشسته، دانش‌آموز و دانشجو چون دنبال کار نمی‌گردند پس بیکار محسوب نمی‌شوند.

جمعیت فعال: افرادی که بالای ۱۵ سال دارند اما نه شاغل هستند نه بیکار. مثل دانش‌آموزان، دانشجویان و... بالای ۱۵ سال.



نرخ بیکاری: اساسی‌ترین شاخص ارزیابی وضعیت اشتغال کشور، نرخ بیکاری است.

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times 100$$

مثال ۱ با توجه به آماری که از یک کشور فرضی در جدول زیر داده شده، نرخ بیکاری این کشور را محاسبه کنید.

کل جمعیت	۸۰/۰۰۰/۰۰۰ نفر
زیر ۱۵ سال	۱۷/۰۰۰/۰۰۰ نفر
جمعیت فعال	۵۰/۰۰۰/۰۰۰ نفر
جمعیت بیکار	۱۰/۰۰۰/۰۰۰ نفر

پاسخ:

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times ۱۰۰$$

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{۱۰/۰۰۰/۰۰۰}{۵۰/۰۰۰/۰۰۰} \times ۱۰۰ = ۲۰ \times ۱۰۰ = ۲۰\%$$

$$\text{نرخ بیکاری} = ۲۰\%$$

مثال ۲ با توجه به اطلاعات ارائه شده در جدول زیر که مربوط به یک کشور فرضی است، نرخ بیکاری را محاسبه نمایید.

جمعیت بالای ۱۵ سال	۶۵ میلیون نفر
جمعیت غیرفعال	۲۸ میلیون نفر
جمعیت شاغلان	۲۵ میلیون نفر

پاسخ:

جمعیت فعال ؟
جمعیت بالای ۱۵ سال ۶۵ میلیون نفر
جمعیت غیرفعال (۲۸ میلیون نفر)

$$\text{میلیون نفر} = ۶۵ - ۲۸ = ۳۷ = \text{جمعیت فعال}$$

جمعیت شاغل (۲۵ میلیون نفر)
جمعیت فعال ۳۷ میلیون نفر
جمعیت بیکار ؟
میلیون نفر $۳۷ - ۲۵ = ۱۲ = \text{جمعیت بیکار}$ →

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times ۱۰۰ \Rightarrow \frac{۱۲}{۳۷} \times ۱۰۰ = ۳۲/۴\% \text{ می باشد.}$$

سوال چرا بیکاری را بیشتر از آنچه اعلام می‌شود، احساس می‌کنیم؟

پاسخ:

- طبق تعریف بیکاری، کسانی که از جستجوی شغل دلسرد شده‌اند، بیکار به حساب نمی‌آیند.
- همه کسانی که به صورت پاره‌وقت مشغول به کارند شاغل به حساب می‌آیند، در حالی که آن‌ها در جستجوی شغل تمام‌وقت هستند و خود را شاغل به حساب نمی‌آورند.
- همه کسانی را که در غیر از زمینه تخصصی‌شان مشغول به کار و فعالیت باشند، شاغل محسوب می‌کنند.
- برخی افراد ممکن است به دلایلی مانند اشتغال در بخش غیر رسمی یا به امید بهره‌مندی از بیمه بیکاری با مأموران آمارگیری با صداقت برخورد نکنند. این دلایل سبب می‌شود تا نرخ بیکاری از مقدار واقعی‌اش فاصله بگیرد.

بازار نیروی کار

در این بازار با سه موضوع روبرو هستیم:

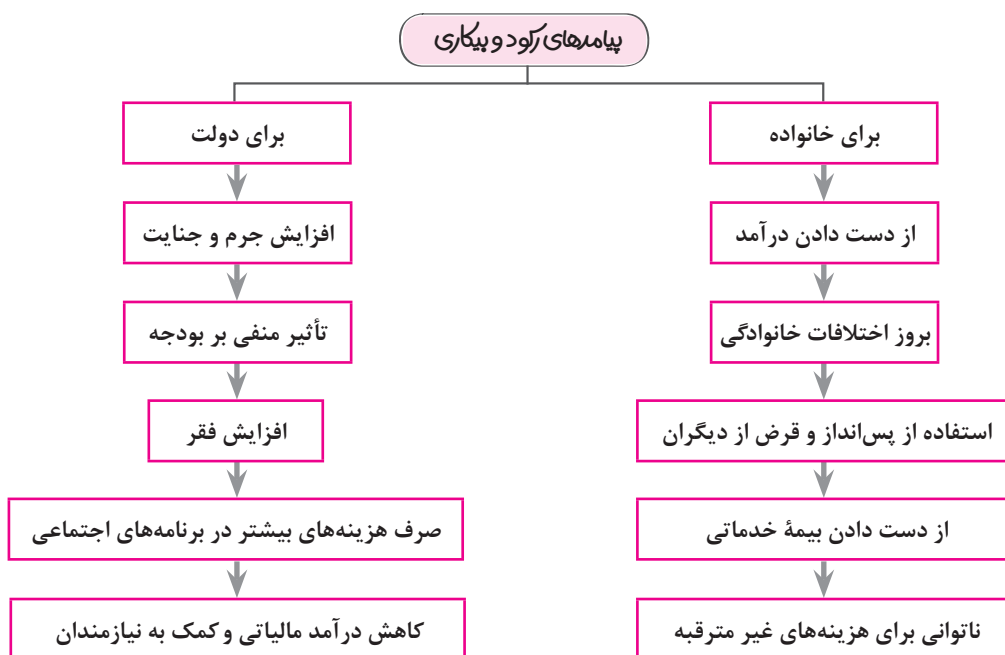
۱. قیمت نیروی کار: که همان دستمزد است.

۲. عرضه‌کننده نیروی کار: کارگرانی که با نیروی بدنی یا فکری خود کالا یا خدماتی تولید می‌کنند.

۳. تقاضاکننده نیروی کار: صاحبان شرکت‌ها یا سرمایه‌گذاران که به آن‌ها کارفرما می‌گویند.

شامل دو گروه می‌شود: ۱. کسانی که شغل قبلی خود را به دلایلی رها کرده و دنبال شغل جدیدی هستند. ۲. کسانی که به تازگی در حال ورود به بازار هستند. این نوع بیکاری کوتاه‌مدت است و در همه کشورهای وجود دارد.	بیکاری اصطلاحی
شامل افرادی می‌شود که به دلیل تغییرات فصلی، شغل خود را از دست می‌دهند. مثال: برخی کارگران ساختمانی و کشاورزان در فصل زمستان	بیکاری فصلی
علت: عدم تطبیق بین افراد جویای کار و انواع شغل‌های موجود علت عدم تطبیق: عدم تطابق مهارت‌ها مثال: نیروی کار ساده در بازار کار وجود دارد اما تقاضا برای نیروی کار متخصص است.	بیکاری ساختاری
علت: رکود اقتصادی در دوره رکود تولید کاهش می‌یابد و شرکت‌ها استخدام خود را متوقف می‌کنند یا بخشی از نیروهای خود را بیکار می‌کنند. (تعدیل نیرو)	بیکاری دوره‌ای

پیامدهای رکود و بیکاری



فقر

- یکی از پیامدهای غم‌انگیز بیکاری و رکود، فقر است.
 - در کل جهان ۱/۴ میلیارد نفر در فقر مطلق به سر می‌برند.
 - بسیاری از کشورهای جهان درگیر فقر و نابرابری اقتصادی‌اند حتی کشورهای با درآمد بالا.
- ملاک کلی در تعیین میزان فقر
۱. نیازمندی‌های افراد یا خانوارها
 ۲. توانمندی‌های آنان برای دستیابی به این نیازها

کلمه

روش فوق کافی نیست، چرا که به وضعیت نسبی رفاه گروه‌ها و طبقات مختلف مردم برمی‌گردد مثلاً میزانی از «درآمد یا سلامت» برای خانوارهای روستایی مطلوب و ایده‌آل اما برای خانوارهای شهری ناچیز تلقی شود و خود را فقیر می‌دانند.

فقر نسبی: در فقر نسبی همیشه تعریف فقر نسبت به وضعیتی که ما در آن هستیم صورت می‌گیرد. پس معیار فقر در نواحی و زمان‌های مختلف، متفاوت است. محاسبه تعداد افراد فقیر براساس مفهوم نسبی فقر، بسیار پیچیده و سخت و شاید ناممکن است. فقر مطلق: مطابق با معیار جهانی، افرادی که در روز زیر ۱/۹ دلار، درآمد دارند زیر خط فقر مطلق هستند. یعنی از تأمین احتیاجات اولیه خود عاجزند.

دولت و مسئله بیکاری و فقر

عوامل بیکاری و فقر

۱. قاچاق یا واردات کالاهایی که مشابه آن در کشور تولید می‌شود.

۲. بازپرداخت وام‌های کلان بانکی

۳. نبود فضای مناسب کسب و کار

۴. طولانی بودن فرایند گرفتن مجوزها از دولت برای راه‌اندازی کارگاه‌های تولیدی

۵. بی‌ثباتی فضای کسب و کار

عوامل بی‌ثباتی فضای کسب و کار

۱. قانون‌گذاری‌های متعدد، متناقض و دائماً در حال تغییر

۲. اختلال در بازارهای انرژی جهان

۳. بحران‌های بهداشتی یا محیط زیستی مثل ویروس کرونا

۴. بی‌ثباتی در قیمت‌ها: در ایران در سال‌های اخیر این عامل بسیار اثرگذار بوده است.

نقش دولت‌ها در حل کردن بیکاری و فقر

۱. اجرای سیاست‌های فقرزدایی و برقراری عدالت

۲. مبارزه با فساد، فقر و بیکاری از طریق حمایت از شرکت‌های تولیدی

مسئولیت اجتماعی مردم

علاوه بر دولت مردم نیز برای حفاظت از پیشرفت‌های اقتصادی خود در مقابل ویروس فقر مسئولیت دارند.

مسئولیت مردم برای مبارزه با فقر و بیکاری

۱. ایجاد نهادهای توانمندسازی

۲. ایجاد خیریه و کمک‌های مردمی

۳. تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه

۴. فعالیت‌های جهادی

در برخی از مسائل این درس، نرخ بیکاری را خود سؤال می‌دهد و موارد دیگری از ما می‌خواهد. به مثال زیر توجه کنید.

مثال ۳ اگر در یک کشور فرضی جمعیت بیکار ۶ میلیون نفر و نرخ بیکاری ۱۵ درصد باشد، جمعیت فعال و شاغل این کشور چقدر است؟

پاسخ:

$$\frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} = \text{نرخ بیکاری}$$

$$\frac{15}{100} = \frac{6/000/000}{x} \Rightarrow 15x = 600/000/000 \Rightarrow x = \frac{600/000/000}{15} \Rightarrow x = 40/000/000 \text{ جمعیت فعال}$$

جمعیت شاغل + جمعیت بیکار = جمعیت فعال

$$40/000/000 = 6/000/000 + y$$

$$y = 40/000/000 - 6/000/000 \Rightarrow y = 34/000/000 \text{ جمعیت شاغل}$$

۰/۵	درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/>	الف) درست یا نادرست بودن عبارات زیر را مشخص کنید.	۱.
۰/۵	درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/>	ب) جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.	۲.
۰/۵	درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/>	۵. بیکاری فصلی شامل افرادی می‌شود که به دلیل شغل خود را از دست می‌دهند.	۳.
۰/۵	درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/>	۶. براساس مفهوم محاسبه تعداد افراد فقیر، بسیار پیچیده و سخت و شاید ناممکن است.	۴.
۰/۵	درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/>	۷. اگر تعداد افراد شاغل و افراد بیکار یک جامعه را با هم جمع کنیم، جامعه به دست می‌آید.	۵.
۰/۵	درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/>	۸. بیکاری که در هنگام رکود کشور رخ می‌دهد، بیکاری نامیده می‌شود.	۶.
۲		پ) موارد ستون سمت «الف» را به موارد مربوط به ستون سمت «ب» وصل کنید. (یک مورد اضافی است.)	۷.
	<p>الف</p> <p>۹. بیکاری ناشی از عدم تطبیق بین افراد جوانی کار از نظر مهارت</p> <p>۱۰. کار زنان خانه‌دار</p> <p>۱۱. کسانی که به تازگی در حال ورود به بازار کار هستند.</p> <p>۱۲. متوقف شدن استخدام و تعدیل نیرو از طرف شرکت‌ها در دوران رکود</p>	۸.	
	<p>ب</p> <p>الف) بیکاری دوره‌ای</p> <p>ب) جمعیت غیرفعال</p> <p>ج) بیکاری فصلی</p> <p>د) بیکاری ساختاری</p> <p>هـ) بیکاری اصطکاکی</p>		
۰/۵		ت) در پرسش‌های چهار گزینه‌ای زیر، بهترین گزینه را انتخاب کنید.	۹.
۰/۵		۱۳. وجود کدام نوع از بیکاری‌ها دلیل بر اقتصاد ناسالم نیست؟	۱۰.
۰/۵		الف) بیکاری اصطکاکی - بیکاری ساختاری	۱۱.
۰/۵		ب) بیکاری دوره‌ای - بیکاری فصلی	۱۲.
۰/۵		ج) بیکاری اصطکاکی - بیکاری فصلی	۱۳.
۰/۵		د) بیکاری دوره‌ای - بیکاری ساختاری	۱۴.
۰/۵		نتیجه توجه به این مفهوم که «آنچه برای خانوار روستایی مطلوب و ایده‌آل است برای خانوار شهری ناچیز تلقی می‌شود»، پیدایش کدام مفهوم در حوزه اقتصاد بوده است؟	۱۵.
۰/۵		الف) فقر نسبی	۱۶.
۰/۵		ب) فقر مطلق	۱۷.
۰/۵		ج) نرخ بیکاری	۱۸.
۰/۵		د) بیکاری ساختاری	۱۹.
۰/۵		کدام‌یک از موارد زیر نسبت به بقیه موارد، اثر کمتری در ایجاد بیکاری و فقر دارد؟	۲۰.
۰/۵		الف) بازپرداخت وام‌های کلان بانکی توسط تولیدکنندگان	
۰/۵		ب) عواملی که باعث بی‌ثباتی فضای کسب و کار می‌شوند.	
۰/۵		ج) عدم حمایت از ایجاد نهادهای مردمی و امور خیریه	
۰/۵		د) قاچاق و واردات کالاهایی که مشابه آن در کشور تولید می‌شود.	
۰/۵		همه موارد زیر از عوامل ایجاد بی‌ثباتی در فضای کسب و کار است بجز گزینه	
۰/۵		الف) بازپرداخت وام‌های کلان بانکی توسط تولیدکنندگان	
۰/۵		ب) اختلال در بازارهای انرژی جهان	
۰/۵		ج) بحران‌های بهداشتی یا محیط زیستی مانند ویروس کرونا	
۰/۵		د) قانون‌گذاری‌های متعدد، متناقض و دائماً در حال تغییر	
۱		ث) به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.	
۱		۱۷. فقر مطلق یعنی چه؟	
۱		۱۸. چرا برخی افراد درباره وضعیت شغلی خود با مأموران آمارگیری با صداقت برخورد نمی‌کنند؟	
۱		۱۹. در اقتصاد به چه کسانی «کارفرما» می‌گویند؟	
۱		۲۰. تفاوت میان جمعیت فعال و غیرفعال چیست؟	

ج) به سوالات زیر پاسخ کامل دهید.

۲۱. بیکاری و رکود چه پیامدهایی برای دولت دارد؟

۲۲. مسئولیت مردم برای حفاظت در قبال فقر چیست؟

۲۳. مهم‌ترین دلایل فقر و بیکاری و رکود چیست؟

۲۴. با توجه به اطلاعاتی که در جدول زیر آمده است، تعداد افراد بیکار و افراد شاغل این کشور فرضی را به دست آورید.

جمعیت کل	۳۰ میلیون نفر
جمعیت فعال	۲۰۰/۰۰۰ نفر
نرخ بیکاری	۱۰ درصد

پادداشیت:

فابل مونه
گلببرگ عربی (۱)
دهم انسانی

الدَّرْسُ الْخَامِسُ: ﴿هَذَا خَلَقَ اللَّهُ﴾ + الْجُمْلَةُ الْفِعْلِيَّةُ وَالْإِسْمِيَّةُ

درسنامه.

درسنامه (الْجُمْلَةُ الْفِعْلِيَّةُ وَالْإِسْمِيَّةُ)

- در زبان عربی دو نوع جمله داریم:

۱. جمله‌ای که با اسم شروع می‌شود و به آن جملهٔ اِسْمِيَّة می‌گویند.
۲. جمله‌ای که با فعل شروع می‌شود و به آن جملهٔ فِعْلِيَّة می‌گویند.



۱. ارکان اصلی جمله فعلیه همان‌طور که خواندید فعل، فاعل و مفعول است که جایگاه مفعول همیشه بعد از فاعل است و فاعل هم به هیچ وجه قبل از فعل نمی‌آید.

يَغْفِرُ اللَّهُ السُّدُوبَ

فعل فاعل مفعول

۲. در جمله اِسْمِيَّة «مبتدا» همان «نهاد» و «خبر» همان «گزاره» در زبان فارسی است که «خبر» در جمله در رابطه با «مبتدا» خبری یا گزارشی را می‌دهد.

الطَّالِبُ نَاجِحٌ. ← دانش آموز، موفق است. / الطَّالِبُ يَكْتُبُ ← دانش آموز، می‌نویسد.

مبتدا فِبر مفرد نهاد گزاره مبتدا فِبر جمله فعلیه نهاد گزاره

۳. هم در جمله اِسْمِيَّة و هم در جمله فعلیه، دو نقش صفت و مضاف‌إلیه را ممکن است داشته باشیم که با این دو نقش در سال نهم آشنا شدید.

- اللَّوْنُ الْأَبْيَضُ لَوْنٌ الْهَدْوَى.

مبتدا صفت فِبر مضاف‌إلیه

- فَحَصَّ الطَّبِيبُ أَسْنَانَ الْوَلَدِ الصَّغِيرِ.

فعل فاعل مفعول مضاف‌إلیه صفت

۴. از این پس سؤالی با عنوان «عَيْنُ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ» دیدید، بدانید که باید در جواب این سؤال نقش‌های کلمه در جمله را مانند: مبتدا، خبر، فاعل، مفعول، صفت و مضاف‌إلیه و... را مشخص کنید.

کلمه‌های مترادف

زُبَالَة	=	تُفَايَة (زباله)	دَلّ (راهنمایی کرد)	=	هدی (راهنمایی کرد)
سَحَاب (ابر)	=	غِيم (ابر)	ضِيَاء (روشنایی)	=	نور (روشنایی)
عُرْفَة (اتاق)	=	حُجْرَة (اتاق)	طَلَبَ (فواست)	=	أَرَادَ (فواست)
رَمَى (اندافت)	=	قَذَفَ (اندافت)	جَدَّ (تلاش کرد)	=	إِجْتَهَدَ (تلاش کرد)
رَجَاءً (لطفاً)	=	مِنْ فَضْلِكَ (لطفاً)	عَمِيل (مزدور)	=	جاسوس (مزدور)
حُزْن (ناراحتی)	=	عُصَة (ناراحتی)	إِسْتِطَاعَ (توانست)	=	قَدَرَ (توانست)
أَحْسَنْتَ (آفرین بر تو)	=	بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ (آفرین بر تو)	جَاهِز (آماده)	=	حَاضِر (آماده)
وَرَاءَ (پشت)	=	خَلْفَ (پشت)	حُمَقَ (نادانی)	=	جَهَالَة (نادانی)

کلمه‌های متضاد

بَعَدَ (دور شد)	≠	قَرَّبَ (نزدیک شد)	إِفْتَرَبَ (نزدیک شد)	≠	إِبْتَعَدَ (دور شد)
حَزِين (غمگین)	≠	فَرِحَ (فوشمال)	بَحْرِي (دریایی)	≠	بَرِي (فشکی)
لَيْل (شب)	≠	نَهَار (روز)	ضِيَاء (نورانی)	≠	ظَلَام (تاریکی)
قُرْب (نزدیکی)	≠	بُعْد (دوری)	جَامِد	≠	سَائِع (مایع)
عُصَة (غم)	≠	سُرور (فوشالی)	حَرْب (هنگ)	≠	بِلْم (صلح)
مُتَحَرِّكَة (در حرکت)	≠	ثَابِتَة (بی حرکت)	إِسَاءَة (بدی)	≠	إِحْسَان (نیکی)
إِكْتِسَاب (به دست آوردن)	≠	إِضَاعَة (از دست دادن)	مَمْلُوء (پر)	≠	فَارِغ (فالی)
يَخْرُجُ (فارغ می شود)	≠	يَدْخُلُ (وارد می شود)	فَتَحَ (باز کرد)	≠	أَغْلَقَ (بست)
عَسْر (سفتی)	≠	يُسْر (آسانی)	صَرَّ (ضرر، زیان)	≠	نَفَع (سود)
خَلْفَ (پشت)	≠	أَمَامَ (روبروی)	ذَمَّ (نکوهش)	≠	مَدَحَ (ستایش)
يُظَهِّرُ (آشکار می کند)	≠	يَسْتُرُ (می پوشاند)	قُبِحَ (زشتی)	≠	حُسْن (فوی)

جمع‌های مکتب

جاسوس ← جَوَاسِيس (مزدورها)	ذَنب ← أذْنَاب (د۴ها)	مَرَض ← أَمْرَاض (بیماری‌ها)	عُشْب ← أَعْشَاب (گیاه‌ها)
حَرّ ← أَحْرَار (آزادگان)	ضَوْء ← أَضْوَاء (نورها)	مَثَل ← أَمْثَال (مثل‌ها)	زَيْت ← زَيْوَات (روغن‌ها)
مَدِينَة ← مَدَن (شورها)	كَلْب ← كِلَاب (سگ‌ها)	عَبْد ← عِبَاد (بندگان)	طَيْر ← طَيُور (پرنده‌ها)

عبارات منتخب از درس پنجم

(سراسری کشوری ۱۴۰۲)

۱. يَلْعَقُ الْقِطَّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتئمَ.

گره زخمش را چندین بار می‌لیسد تا بهبود یابد.

(سراسری کشوری ۱۴۰۲)

۲. لِلْعُرَابِ صَوْتُ يُحَدِّزُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ سَرِيعًا.

کلاغ صدایی دارد که به وسیله آن به باقی حیوانات هشدار می‌دهد تا سریع دور شوند.

(سراسری کشوری ۱۴۰۲)

۳. إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِئٌ دَائِمٌ.

زبان گربه سلاح (ابزار) پزشکی همیشگی اوست.

(فروزانگان مشهور ۱۴۰۰)

۴. لِلْبَطَّةِ عُدَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ ذَنْبِهَا تَحْتَوِي رَبِيئًا خَاصًا.

اردک نزدیک دمش غده‌ای دارد که حاوی روغن مخصوصی است.

۵. الْأَسْمَاكُ الْمُضِيئَةُ تَحْوُلُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيءٍ.

ماهی‌های نورانی تاریکی دریا را به روزی روشن تبدیل می‌کنند.

۶. يُمَكِّنُ أَنْ يَسْتَعِينَ الْبَشَرُ بِالْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ.

ممکن است بشر برای نورانی کردن شهرها از باکتری نورانی کمک بگیرد.

۷. تَسْتَطِيعُ الْجُرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحَرِّمَ رَأْسِهَا.

آفتاب‌پرست می‌تواند چشمانش را به هر سمتی بچرخاند بدون اینکه سرش را تکان بدهد.

۸. لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ.

چشم جغد چون ثابت است حرکت می‌کند.

۹. «لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ»

من برای خودم صاحب (مالک) سود و زیانی نیستم مگر آنچه خدا بخواهد.

۱۰. «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»

آیا مردم را به نیکی دستور می‌دهید (فرا می‌خوانید) و خودتان را فراموش می‌کنید؟

۱۱. «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»

خداوند کسی را جز به اندازه توانایی او تکلیف نمی‌کند.

۱۲. حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ.

ادب خوب (نیکو) زشتی اصل و نسب را می‌پوشاند.

۳۰ نمره

آزمون درس پنجم

۵

۰/۵	(سراسری کشوری ۱۴۰۲)	۱. ترجمه کلماتین اللّٰتین تَحْتَهَا حَطٌّ: ۱. لِلْبَطَّةِ عُدَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ ذَنْبِهَا. ۲. وَلَكِنَّهَا تُعَوِّضُ هَذَا النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا.
۰/۵		۲. عَيْنِ الْمْتَضَادِّ وَ الْمْتَرَادِفِ: (كَلِمَتَيْنِ زَائِدَتَيْنِ) نَجَحَ - حَجْرَةٌ - إِسْتِطَاعَ - عُرْفَةٌ - رَسَبَ - صَفَّ
۰/۵		۳. عَيْنِ الْكَلِمَةِ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى: ۱. سَائِقٌ - سَيَّارَةٌ - أُجْرَةٌ - مُوْظَفٌ ۲. عَشْبٌ - قِطٌّ - بَطٌّ - بَوْمٌ
۰/۵		۴. أَكْثَبُ مَفْرَدِ الْكَلِمَتَيْنِ أَوْ جَمْعَهُمَا: ۱. أَضْوَاءُ: ۲. زَيْتُ:

فابل مونه
گلببرگ جامعہ شناسی (۱)
دهم

درس چهارم: اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی (تشریح جهان اجتماعی)

درسنامه

معیارهای تقسیم‌بندی جهان اجتماعی:

۱. تقسیم براساس نظام اجتماعی کل و خرده نظام
 - خرده نظام اقتصادی: پدیده اجتماعی: کالا
 - خرده نظام سیاسی: پدیده اجتماعی: انتخابات
 - خرده نظام خانواده: پدیده اجتماعی: ازدواج
 - خرده نظام آموزش: پدیده اجتماعی: مدرسه
۲. تقسیم براساس اندازه و دامنه:

- پدیده‌های اجتماعی، اجزای جهان اجتماعی‌اند و می‌توان آن‌ها را براساس اندازه و دامنه از یکدیگر تفکیک کرد.

کنش اجتماعی افراد: پدیده خرد \longleftrightarrow میانه \longleftrightarrow پدیده کلان: فرهنگ و جامعه

کلاس مدرسه نظام آموزشی

کلمه راه تشخیص پدیده‌های خرد و کلان \leftarrow میزان اثرگذاری، اندازه، مقایسه

۳. تقسیم براساس ابعاد ذهنی و عینی

- همه پدیده‌های اجتماعی، هویتی معنایی و ذهنی دارند. (۱)
- هیچ یک از اعضای جهان اجتماعی فاقد معنا نیستند.
- همه پدیده‌های اجتماعی، دارای بعد محسوس و عینی نیستند. (۲)
- در جهان اجتماعی بعد ذهنی پدیده‌ها، اهمیت بسیاری دارد.

کلمه اگر پدیده‌ای بُعد محسوس داشته باشد \leftarrow عینی

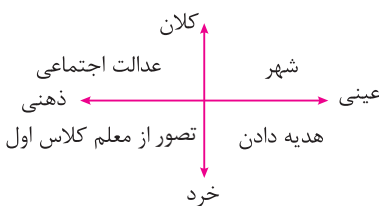
اگر پدیده‌ای بُعد محسوس نداشته باشد \leftarrow ذهنی

کنش بیرونی و ساختمان‌ها (محسوس، مادی) عینی \longleftrightarrow میانه \longleftrightarrow ذهنی
(نامحسوس - معنایی) ارزش‌های اجتماعی و کنش درونی

خصوصیات لایه‌های جهان اجتماعی

لایه‌های سطحی:

۱. امکان تغییر بیشتری دارند و تغییر آن‌ها، تحول مهمی پدید نمی‌آورد.
۲. تأثیرات محدودتری دارند.
۳. نقش حیاتی و اساسی ندارند.
۴. حتی اگر برخی از آن‌ها حذف شوند، جهان اجتماعی همچنان تداوم می‌یابد.
۵. هنجارها و نهادها



لایه‌های عمیق و بنیادین:

۱. به آسانی تغییر نمی‌کنند.
 ۲. تأثیرات همه‌جانبه و فراگیر و تعیین‌کننده دارند.
 ۳. اگر حذف شوند جهان اجتماعی فرو می‌ریزد.
 ۴. عقاید و ارزش‌ها
 ۵. عمیق‌ترین لایه‌های اجتماعی: عقاید کلانی که بر ارزش‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارند.
- عمیق‌ترین پدیده‌های اجتماعی: باور و اعتقادی که انسان به اصل جهان و جایگاه انسان در جهان دارد و تفسیر انسان از زندگی و مرگ خود.

گلشن چینش لایه‌ها از سطحی به عمیق ← نمادها، هنجارها، ارزش‌ها، عقاید

- برای تأمین نیازهای جهان اجتماعی و افراد، در هر جهان اجتماعی از روش‌های خاصی استفاده می‌شود.
 - تأمین نیازهای هر جهان اجتماعی، به کمک نهادهای اجتماعی صورت می‌گیرد.
 - اجزای جهان اجتماعی + لایه‌های جهان اجتماعی ← نهاد اجتماعی
- نهادهای اجتماعی:
- مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نهادهایی است که برای رفع نیازهای معینی از افراد و جهان اجتماعی اختصاص پیدا می‌کنند.
 - هر نهاد شیوه قابل قبول تأمین بعضی از نیازهای افراد را معین می‌سازد و شیوه غیرقابل قبول را طرد می‌کند.
 - مهم‌ترین نهادهای اجتماعی: خانواده، تعلیم و تربیت، سیاست و اقتصاد هستند.

۱. نهاد اقتصادی: راه درست و نادرست به دست آوردن ثروت را تعیین می‌کند.
۲. تعلیم و تربیت
- دختر، دانش‌آموز، کلاس ← نهاد (۱)
- برای دانا شدن باید به مدرسه رفت ← هنجار (۲)
- دانیایی از نادانی بهتر است ← ارزش (۳)
- انسان تربیت‌پذیر است ← عقاید (۴)

نمره ۲۰

آزمون درس چهارم

۴

۲/۵	<input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست	الف) درستی یا نادرستی عبارات زیر را مشخص کنید. ۱. همه پدیده‌های اجتماعی دارای بُعد محسوس و عینی هستند. ۲. اجزای مختلف یک جهان اجتماعی نسبت با یکدیگر از اهمیت یکسانی برخوردارند. ۳. لایه‌های عمیق، تأثیرات همه‌جانبه و فراگیر دارند. ۴. عقاید و ارزش‌ها در لایه‌های سطحی قرار می‌گیرند. ۵. جامعه‌ای که هستی را فراتر از زندگی دنیا می‌بیند ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای خود را متناسب با آن سازمان می‌دهد.
۲/۵		ب) جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید. ۶. پدیده اجتماعی در حکم جهان اجتماعی هستند. ۷. دیدگاه مادی‌گرایانه به جهان هستی مربوط به لایه‌های جهان اجتماعی است. (دبیرستان دکتر شریعی - قائم‌شهر - دی ۱۳۹۱) ۸. وقتی اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را در ارتباط با هم در نظر بگیریم آشکار می‌شود. ۹. تمام پدیده‌های اجتماعی، هویتی معنایی و دارند اما همه آن‌ها بُعد ندارند.
۱/۵		پ) گزینه مناسب را مشخص کنید. ۱۰. کدام گزینه در ارتباط با «نماد» درست نیست؟ (دبیرستان البرز - تهران - دی ۱۳۹۱) ۱) نمادها برحسب برخی شرایط در زمینه‌های مختلف تغییر می‌کنند. ۲) باور و اعتقاد انسان‌ها نسبت به اصل جهان، مهم‌ترین نماد است. ۳) تغییر در برخی از نمادها منجر به تغییر در لایه‌های بنیادین جهان اجتماعی می‌شود. ۴) نمادها از آشکارترین و سطحی‌ترین پدیده‌های اجتماعی هستند.

فابل مونه
گلببرگ ربابضى و آمار (۱)
دهم انسانی

فصل چهارم: نمایش داده‌ها

درسنامه

درس ۱: نمودارهای یک متغیره

■ نمایش داده‌ها: نمایش داده‌ها روشی برای کمک به استخراج اطلاعات از داده‌ها با حس بینایی است.

انواع نمودارها

یک متغیره: میله‌ای، دایره‌ای، نقطه‌ای، جعبه‌ای و...

هند متغیره: پراکنش نگاشت، حبابی، را داری (تار عنکبوتی) و...

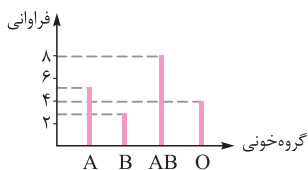
۱. نمودار میله‌ای: از این نمودار اغلب برای نمایش متغیرهای کیفی و متغیرهای کمی که مقدارشان اعداد حسابی $\{0, 1, 2, 3, \dots\}$ هستند، استفاده می‌شود. شامل ۲ محور عمود بر هم است. محور افقی مربوط به داده‌ها است و محور عمودی مربوط به تعداد داده‌ها (فراوانی) است.

■ رسم نمودار: روی هر نقطه از محور افقی یک میله (پاره‌خط) به بلندی فراوانی رسم می‌کنیم.

گروه خونی	A	B	AB	O
تعداد	۵	۳	۸	۴

مثال ۱ گروه خونی 20° نفر از اهالی یک محله به صورت مقابل است:

نمودار میله‌ای این داده‌ها را رسم کنید.



پاسخ: کافی است محور افقی را گروه خونی افراد در نظر گرفته (ترتیب قرار گرفتن مهم نیست) و با توجه به مقدار فراوانی (تعداد) میله‌ای عمودی رسم کنیم. (آنچه در این نمودار مهم است، مقایسه فراوانی متغیرها است)

۲. نمودار دایره‌ای: این نمودار اغلب برای نمایش متغیرهای کیفی مناسب است. همچنین زمانیکه می‌خواهیم درصد را گزارش کنیم، معمولاً نمودار دایره‌ای مناسب‌تر است.

■ در نمودار دایره‌ای، داده‌ها و نوع آن‌ها اهمیتی ندارد و فقط تعداد مهم است.

■ شعاع دایره نمودار دایره‌ای، هیچ اطلاعاتی به ما نمی‌دهد.

■ اگر همه فراوانی‌ها را در عددی ضرب کنیم، زاویه‌ها تغییر نمی‌کنند.

■ رسم نمودار:

گام اول: تعداد هر داده را بر تعداد کل تقسیم می‌کنیم. $(\frac{f_i}{N})$ فراوانی نسبی)

گام دوم: فراوانی نسبی هر داده را در 360° درجه ضرب می‌کنیم تا زاویه مربوط به هر کدام به دست آید.

گام سوم: در یک دایره دلخواه، زاویه‌های مرکزی، متناسب با زاویه‌های به دست آمده، رسم می‌کنیم.

مثال ۲ نمودار دایره‌ای مربوط به جدول زیر را رسم کنید. سپس مشخص کنید، چند درصد افراد، کم‌تر از ۸ سال سن دارند؟

سن افراد	۲-۵	۵-۸	۸-۱۱	۱۱-۱۴
فراوانی	۱۵	۱۲	۵	۴

$$(N = 15 + 12 + 5 + 4 = 36)$$

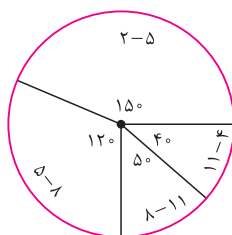
$$\theta_1 = \frac{15}{36} \times 360 = 150^\circ$$

$$\theta_2 = \frac{12}{36} \times 360 = 120^\circ$$

$$\theta_3 = \frac{5}{36} \times 360 = 50^\circ$$

$$\theta_4 = \frac{4}{36} \times 360 = 40^\circ$$

$$\text{درصد افراد کمتر از ۸ سال} = \frac{15 + 12}{36} \times 100 = \frac{27}{36} \times 100 = 75\%$$



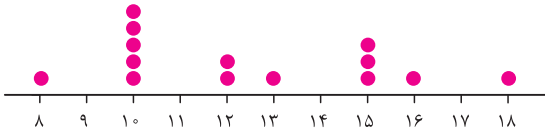
پاسخ: زاویه مربوط به هر گروه را حساب می‌کنیم:

۳. نمودار نقطه‌ای: از این نمودار برای نمایش متغیرهای کیفی و یا متغیرهای کمی با مقادیر حسابی استفاده می‌شود.

■ رسم نمودار: داده‌ها بر روی یک محور واحدبندی می‌شوند و بالای هر داده به تعداد فراوانی اش نقطه می‌گذاریم.

مثال ۳) نمره ریاضی تعدادی از دانش‌آموزان به صورت مقابل است:

۱۲, ۱۰, ۱۳, ۱۶, ۱۰, ۱۵, ۱۸, ۱۵, ۱۰, ۱۲, ۱۰, ۱۵, ۱۰, ۸



نمودار نقطه‌ای این داده‌ها را رسم کنید. سپس به کمک آن مد را بیابید.
پاسخ: با توجه به این که روی عدد ۱۰ نقاط بیشتری قرار گرفته، مد ۱۰ است.

۴. نمودار جعبه‌ای: نمودار جعبه‌ای روشی سودمند برای نمایش دامنه‌ها و چارک‌های داده‌هاست. و به کمک آن می‌توان نحوه پخش داده‌های آماری را نشان داد.
- اگر داده دور افتاده داشته باشیم، از نمودار جعبه‌ای استفاده می‌کنیم.
 - نمودار جعبه‌ای مطمئن‌ترین نمودار برای متغیر کمی است.
 - در یک نمودار جعبه‌ای می‌توان بیش از یک مجموعه داده را نشان داد؛ پس این نمودار برای مقایسه مناسب است.
 - رسم نمودار:

گام اول: پنج مقدار زیر را پس از مرتب کردن داده‌ها به دست می‌آوریم:

(۱) کوچکترین داده (min) ۲ چارک اول (Q_1) ۳ میانه (Q_2) ۴ چارک سوم (Q_3) ۵ بزرگترین داده (M)

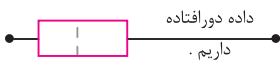
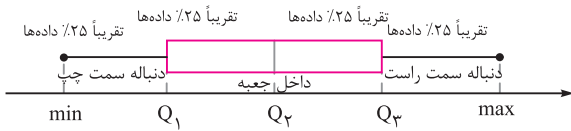
گام دوم: روی یک محور واحد بندی شده، این ۵ مقدار را مشخص می‌کنیم.

گام سوم: یک جعبه (مستطیل) از چارک اول تا چارک سوم رسم می‌کنیم.

گام چهارم: کوچکترین و بزرگترین داده را با پاره خطی به جعبه وصل می‌کنیم.

گام پنجم: میانه را با پاره خط کوچکی درون جعبه مشخص می‌کنیم.

- نمودار جعبه‌ای را نمودار جعبه و سبیل نیز می‌نامیم (دو خط دو طرف جعبه شبیه سبیل گربه است)
- طول هر قسمت که بیشتر باشد یعنی پراکندگی در آن قسمت بیشتر است.
- وجود داده دور افتاده، باعث افزایش طول سبیل نمودار می‌شود.



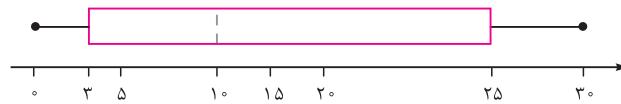
۱, ۰, ۲, ۲۸, ۳۰, ۱۰, ۴, ۲۸, ۴, ۲۲, ۱۰, ۱۴, ۷

مثال ۴) الف) برای داده‌های مقابل نمودار جعبه‌ای رسم کنید:

ب) تمرکز داده‌ها در کدام قسمت است؟ چند درصد داده‌ها کوچکتر از ۲۵ هستند؟

پاسخ: الف) پنج داده مورد نیاز برای رسم نمودار جعبه‌ای را پس از مرتب کردن داده‌ها، مشخص می‌کنیم.

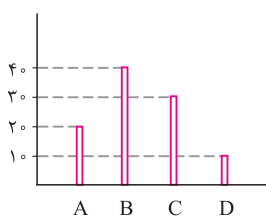
۱. کوچکترین داده (۰) ۲. میانه ($Q_2 = 10$) ۳. چارک اول ($Q_1 = \frac{2+4}{2} = 3$) ۴. چارک سوم ($Q_3 = \frac{22+28}{2} = 25$) ۵. بزرگترین داده (۳۰)



ب) با توجه به این که مستطیل جعبه به نیمه اول متمایل شده، بنابراین تمرکز داده‌ها به سمت اعداد کوچکتر از ۱۰ می‌باشد. از آن جا که چارک سوم است بنابراین ۷۵ درصد داده‌ها کوچکتر از آن می‌باشند.

سوالات امتحانی درس اول

۴



۱. نمودار میله‌ای مقابل، درصد تعداد عضوی متغیر کیفی اسمی است. در نمودار دایره‌ای آن، زاویه مربوط به گروه B، چند درجه است؟

- ۱) ۱۲۲
- ۲) ۱۴۴
- ۳) ۱۵۰
- ۴) ۱۵۶

۲. با توجه به نمودار نقطه‌ای مقابل، مجموع دامنه تغییرات، مد، میانه و میانگین داده‌ها کدام است؟



<p>۳. نمودار جعبه‌ای زیر مفروض است. با توجه به نمودار به سؤالات زیر پاسخ دهید.</p> <p>الف) میانه کدام است؟ ب) چارک اول را بیابید. پ) دامنه میان چارکی را به دست آورید. ت) عدد ۲۲ در نمودار چه چیزی را نشان می‌دهد؟ ث) ۲۵٪ داده‌ها قبل از چه عددی واقع هستند؟ ج) ۵۰٪ داده‌ها بین کدام دو چارک می‌باشد؟</p> 	
<p>۴. در شکل زیر نمودار جعبه‌ای داده‌های ۱۰، ۱۱، ۲۱، ۳، ۲۰، ۸، ۱۳ نشان داده شده است. حاصل $\frac{2b-a}{c+d}$ را به دست آورید.</p> 	
<p>۵. داده‌های آماری ۱۳، ۱۸، ۲۰، ۵، ۱۸، ۵، ۱۴، ۱۲، ۱۵، ۵، ۱۷، ۱۵، با نمودار جعبه‌ای، نشان داده شده است. انحراف معیار داده‌های داخل جعبه، کدام است؟ (۱) ۱/۵ (۲) ۱/۳ (۳) ۱/۲ (۴) ۱/۱ (کنکور انسانی ۹۹)</p>	
<p>۶. دامنه میان چارکی نمودار جعبه‌ای شامل ۱۰ داده، ۲۵ و اختلاف چارک اول با سبیل‌ها ۳۸ و ۲۶ است. اگر کوچکترین عضو داده‌ها ۳ باشد، مجموع مقادیر ممکن برای چارک سوم، کدام است؟ (۱) ۱۲۰ (۲) ۱۰۰ (۳) ۶۴ (۴) ۳۶ (کنکور انسانی ۱۳۰۰)</p>	
<p>۷. با توجه به نمودار مقابل، مقدار چارک‌ها را حساب کنید.</p> 	

درس ۲: نمودارهای چند متغیره

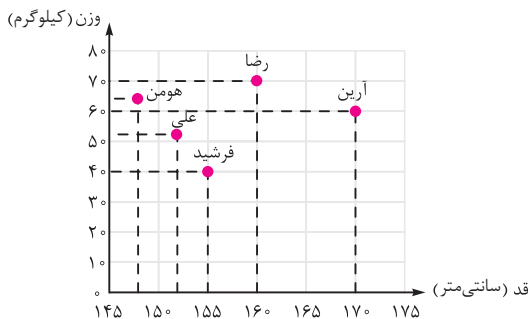
۱. نمودار پراکنش نگاشت: یک نمودار ۲ متغیره است و از تعدادی نقطه تشکیل شده که هر نقطه مانند A را می‌توان به صورت $A(x, y)$ نمایش داد که x مقدار متغیر اول روی محور افقی و y مقدار متغیر دوم روی محور عمودی را نشان می‌دهد.

مثال ۵ قد و وزن ۵ نفر از دانش‌آموزان یک کلاس به صورت زیر است.

علی	رضا	هومن	فرشید	آرین
۱۵۲	۱۶۰	۱۴۸	۱۵۵	۱۷۰
۵۲	۷۰	۶۶	۴۰	۶۰
قد (cm)				
وزن (kg)				

نمودار پراکنش این داده‌ها را رسم کنید.

پاسخ:



۲. نمودار حبابی: یک نمودار ۳ متغیره است و نوعی از نمودار پراکنش نگاشت است که به جای نقطه از دایره استفاده می‌شود. مساحت دایره‌ها متناسب با داده‌های متغیر سوم هستند.

■ شعاع دایره‌ها، متناسب با جذر متغیر سوم است.

■ متغیر سوم نباید شامل صفر یا عدد منفی باشد.

فابل مونه
گلببرگ منطق
دهم

درس ششم: (قضیه حملی)

درسنامه

قضیه

جملات به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. خبری ۲. انشایی

ما در منطق با جملات خبری سروکار داریم. جمله خبری همان قضیه یا تصدیق است.

مفهوم قضیه: جمله با معنایی است که درباره چیزی خبری می‌دهد و می‌توانیم درباره صدق «درستی» یا کذب «نادرستی» آن سخن بگوییم.

اقسام جمله و مقایسه آنها	
جملات خبری	جملات انشایی
<ul style="list-style-type: none"> - درباره عالم خارج خبر می‌دهد. - کیفیت قضیه می‌تواند ایجابی یا سلبی باشد. - ایجابی: الف ب است. - سلبی: الف ب نیست. - قابلیت صدق و کذب دارد. <p>مثال آب در دمای صد درجه به جوش می‌آید.</p> <p>آب در دمای صد درجه به جوش نمی‌آید.</p> <ul style="list-style-type: none"> - ویژگی جمله‌های خبری این است که قابل قبول یا رد هستند. - در منطق جملات خبری به کار برده می‌شوند. زیرا وظیفه منطق جلوگیری از خطای اندیشه است و تنها جملات خبری هستند که قابلیت درست بودن یا نادرست بودن را دارند. 	<ul style="list-style-type: none"> - درباره عالم خارج خبر نمی‌دهند. - در مورد تمایلات احساسات و خواسته‌ها است. - قابلیت صدق و کذب ندارد. <p>مثال امروز بعدازظهر به من زنگ بزن</p> <p>جمله امری. (انشایی)</p> <ul style="list-style-type: none"> - آیا تاکنون به شیراز رفته‌اید؟ - جمله پرسشی (انشایی) - جملات انشایی (امری، پرسشی، عاطفی، و...) قابلیت رد یا قبول را ندارند. - در منطق جملات انشایی کاربرد ندارند زیرا این جملات قابلیت درست بودن یا نادرست بودن را ندارند.

تمرین

۱. جمله‌های «خبری» و «انشایی» را مشخص کنید.

(۱) مربع چهار ضلع دارد. (۲) کاش قیمت انفاس بداندندی خلق

(۳) چرا خوب کار نمی‌کنی؟ (۴) کمی تحمل کن

(۵) کتاب منطق مربوط به پایه دهم انسانی است.

پاسخ: ۱. خبری ۲. انشایی ۳. انشایی ۴. انشایی ۵. خبری

اقسام قضیه

اقسام قضیه عبارتند از:

۱. قضیه حملی: در آن به ثبوت یا نفی چیزی برای چیزی حکم می‌شود.

مثال هر تلاشگری موفق می‌شود.

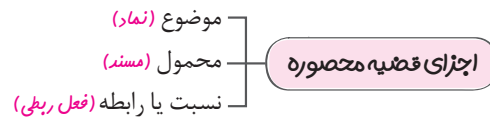
هیچ درختی متفکر نیست.

۲. قضیه شرطی: در آن به اتصال یا انفصال میان دو نسبت حکم می‌شود.

مثال اگر تلاش کنی آنگاه موفق می‌شوی (شرطی متصل)

عدد طبیعی زوج یا فرد است (شرطی منفصل)

قضیه حملی



مثال حافظ شاعر غزل سرای ایران است.

موضوع معمول نسبت
یا رابطه

موضوع: قسمتی از قضیه است که صفت یا حالتی را به آن نسبت می‌دهیم (معادل نهاد در ادبیات)
محمول: صفت یا حالتی است که به موضوع نسبت داده می‌شود. (معادل مسند در ادبیات)
نسبت یا رابطه: رابطه میان موضوع و محمول که به صورت ایجابی یا سلبی است (معادل فعل ربطی در ادبیات)
نکته: برای تشخیص اجزای قضیه حملی (موضوع، محمول و نسبت) باید فعل قضایای حملی، به یکی از افعال ربطی (است، بود، گشت و گردید) تبدیل شود و سپس محمول قضیه مشخص شود.

مثال حسن کتاب دارد. حسن دارای کتاب است.

موضوع معمول نسبت

کلمه توجه داشته باشید، هر چند به طور طبیعی، ابتدا موضوع می‌آید و بعد از آن محمول ولی لزوماً موضوع در ابتدای قضیه نمی‌آید بلکه می‌تواند جای موضوع و محمول عوض شود، در چنین مواقعی با توجه به معنای کلمات و تشخیص این که چه چیزی به چیز دیگر نسبت داده شده است می‌توان موضوع و محمول را تشخیص داد.

مثال پایتخت ایران، تهران است: تهران پایتخت ایران است.

موضوع معمول نسبت

تمرین

۲. در قضایای زیر موضوع و محمول را مشخص کنید.

- ۱) این زمین حاصلی نخواهد داشت. ۲) او تکالیفش را تحویل داد.
۳) کتاب‌ها ارزشمند هستند. ۴) تو را من چشم در راهم
پاسخ: ۱. این زمین (موضوع) دارای حاصل (محمول)
۲. او (موضوع) تحویل دادن تکالیف. (محمول)
۳. کتاب‌ها (موضوع) ارزشمند (محمول)
۴. من (موضوع) چشم به راه تو (محمول)

اقسام قضایای حملی

قضایای حملی دو گونه است:

۱. شخصی:

هر گاه موضوع قضیه حملی، یک مفهوم جزئی باشد آن قضیه شخصی است.

مفهوم جزئی می‌تواند:

- شخصی

مثال - سعدی نویسنده بوستان است. - دانش‌آموزان این کلاس باهوش هستند.

۲. محصوره:

هر گاه موضوع قضیه حملی، مفهوم کلی باشد، یعنی شخص، چیز یا مجموعه معینی نباشد و شامل افراد و چیزهای متعددی باشد، به آن محصور می‌گویند.

مثال - هر انسانی متفکر است. - بعضی افراد هنرمند هستند.

- هیچ درختی متفکر نیست. - بعضی درختان میوه‌دار نیستند.

کلمه قضیه محصوره، قابلیت داشتن «سور» را دارد.

محمول	موضوع	سور	نسبت یا رابطه
ب	الف	هر / هیچ / بعضی	است / نیست
هنرمند	انسان‌ها	بعضی	هستند

محمول	موضوع (مفهومی جزئی)	نسبت یا رابطه	شخصیه
کشور / پهناور	ایران	است	مثال

دامنه مصادیق موضوع

سور قضیه محصوره

- تعریف سور: قید است که بر سر موضوع می‌آید و به وسیله آن کمیت افراد موضوع بیان می‌شود.

انواع سور کلی و جزئی

۱. سور یا کلی (هر، هیچ، تمام، کلی و...) است.
۲. و یا جزئی (برخی، بعضی، تعدادی، اندکی، پاره‌ای، به ندرت، و...) است.

شکل‌های مختلف قضایای حملی بر مبنای انواع سور

۱. **موجبه کلیه:** (هر، همه، جمیع، تمام): **مثال** هر الف ب است.
۲. **سالبه کلیه:** (هیچ، هیچ یک، هیچ کدام و...) **مثال** هیچ الف ب نیست.
۳. **موجبه جزئیه:** (برخی، بعضی، پاره‌ای و...) **مثال** بعضی الف ب است.
۴. **سالبه جزئیه:** (برخی، بعضی، پاره‌ای و...) **مثال** بعضی الف ب نیست.

کلمه

- سور بیانگر کمیت مصادیق موضوع قضیه است. **و** - نسبت (است و نیست) بیانگر کیفیت قضیه است.

جدول اجزای قضایای حملی

اقسام قضایای حملی	تعریف	مثال
از جهت موضوع	شخصیه: موضوع قضیه یک شخص یا یک شی یا مجموعه خاص و معین باشد.	شخص خاص: ابن سینا فیلسوف است.
	محصوره: موضوع قضیه مفهومی کلی است، به عبارتی موضوع آن شخص یا مجموعه معینی نباشد.	موجبه کلیه: هر انسانی فانی است. سالبه کلیه: هیچ حیوانی ناطق نیست. موجبه جزئیه: بعضی دانش آموزان شاعر هستند. سالبه جزئیه: بعضی انسان‌ها هنرمند نیستند.
از جهت کیفیت	موجبه: چیزی را به چیزی نسبت می‌دهیم. (مثبت است)	محصوره: هر انسانی متفکر است. شخصیه: حافظ شاعر غزل سرا است.
	سالبه: چیزی را از چیزی سلب کنیم. (منفی است)	محصوره: هیچ انسانی مجبور نیست. شخصیه: حافظ فیلسوف نیست.
از جهت کمیت (کلی و جزئی بودن)	کلی: هر، همه، هیچ یک، تمام، کل	موجبه کلیه: هر انسانی ناطق است. سالبه کلیه: هیچ انسانی درخت نیست.
	جزئی: بعضی، برخی، تعدادی، پاره‌ای، اندکی و...	موجبه جزئیه: بعضی انسان‌ها باهوش هستند. سالبه جزئیه: بعضی پرندگان تخم‌گذار نیستند.

۳. اقسام قضایای حملی زیر را مشخص کنید:

- (۱) «سیمرغ» شش حرف ندارد. (۲) هر کشوری به نیروهای دفاعی نیاز دارد.
- (۳) هیچ چیزی بی تغییر نیست. (۴) بعضی از مردمان بزرگ خلاق نبوده‌اند.
- (۵) سقراط در دادگاه محکوم شد. (۶) بعضی معلمان شاعرند.
- (۷) برخی مارها سمی‌اند. (۸) پایتخت ایران تهران است.
- پاسخ:** ۱. شخصیه و سالبه ۲. محصوره، موجبۀ کلیه
۳. محصوره، سالبۀ کلیه ۴. محصوره، سالبۀ جزئیه
۵. شخصیه و موجبه ۶. محصوره، موجبۀ جزئیه
۷. محصوره، موجبۀ جزئیه ۸. شخصیه، موجبه

آزمون درس ششم

۲	<p>درستی یا نادرستی عبارات زیر را مشخص کنید.</p> <p>۱. جملات خبری در مورد احساسات و خواسته‌ها می‌باشد. (دبیرستان امامت تبریز - دی ۱۴۰۰)</p> <p>۲. قضیه کاذب قضیه‌ای است که با واقعیت مطابقت ندارد. (فرزادگان سقز - دی ۱۴۰۱)</p> <p>۳. در منطق به نهاد جمله «محمول» گفته می‌شود. (شاهد قم - دی ۱۴۰۱)</p> <p>۴. قضایای حملی همان جملات خبری در ادبیات هستند و موضوع در منطق همان مسند در ادبیات است. (سرای دانش - دی ۱۴۰۰)</p> <p>۵. در قضیه «خالق شاهنامه فردوسی است» فردوسی موضوع است. (فرزادگان فراسان رضوی - فرورد ۱۴۰۰)</p> <p>۶. قضیه «هر شیرازی ایرانی است»، یک قضیه حملیه است. (دبیرستان باقرالعلوم - فرورد ۹۷)</p> <p>۷. «پزشکی گزیدند مردان یونان» یک قضیه محصوره است. (فرهنگ فراسان - فرورد ۹۸)</p> <p>۸. جملات انشایی در منطق بررسی نمی‌شوند. (فرهنگ فراسان - فرورد ۹۸)</p>	<p>درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/></p> <p>درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/></p> <p>درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/></p> <p>درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/></p> <p>درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/></p> <p>درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/></p> <p>درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/></p> <p>درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/></p>
۲	<p>جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.</p> <p>۹. جملاتی که خبری نمی‌دهند بلکه تمایلات و احساسات را مطرح می‌کنند جملات نامیده می‌شوند. (فرهنگ - فرورد ۱۴۰۲)</p> <p>۱۰. جملات خبری از عالم خارج نمی‌دهند. (فرزادگان زابل - دی ۱۴۰۱)</p> <p>۱۱. اگر موضوع قضیه، باشد قضیه شخصیه نامیده می‌شود. (فرزادگان ایلام - فرورد ۱۴۰۰)</p> <p>۱۲. کلمه‌ای که بیانگر کمیت قضیه است، نامیده می‌شود. (فرزادگان ایلام - فرورد ۱۴۰۰)</p> <p>۱۳. قضایای حملی همان در ادبیات‌اند. (فرهنگ فراسان - فرورد ۹۸)</p> <p>۱۴. سور قضیه را قضیه هم می‌نامند. (کونکر قلع کنج - فرورد ۱۴۰۲)</p> <p>۱۵. قضیه «این میز تمیز نیست» قضیه است. (فرهنگ - فرورد ۱۴۰۲)</p> <p>۱۶. نقش «سور» در قضیه تعیین دامنه و موضوع است.</p>	<p>(فرهنگ - فرورد ۱۴۰۲)</p> <p>(فرزادگان زابل - دی ۱۴۰۱)</p> <p>(فرزادگان ایلام - فرورد ۱۴۰۰)</p> <p>(فرزادگان ایلام - فرورد ۱۴۰۰)</p> <p>(فرهنگ فراسان - فرورد ۹۸)</p> <p>(کونکر قلع کنج - فرورد ۱۴۰۲)</p> <p>(فرهنگ - فرورد ۱۴۰۲)</p>
۱	<p>گزینه درست را انتخاب کنید.</p> <p>۱۷. کدام قضیه شخصیه است؟ الف) شیری خرگوشی را درید ب) شیر این جنگل قدرتمند است.</p> <p>۱۸. مناسب‌ترین پاسخ برای این پرسش که «چرا جملات انشایی در منطق بررسی نمی‌شوند» کدام است؟ الف) با واقعیت مطابقت ندارند. ب) خطای اندیشه شامل آن‌ها نمی‌شود. پ) فقط از احساسات و تمایلات ما خبر می‌دهد.</p>	<p>(کنکور سراسری - ۹۹)</p> <p>ب) شیر با شیر متفاوت است. ت) شیر برعکس ریش می‌شود.</p> <p>(کنکور فارغ از کشور - ۱۴۰۰)</p> <p>ب) خطای اندیشه شامل آن‌ها نمی‌شود. ت) به شکل سؤالی، امری یا عاطفی بیان می‌شوند.</p>

فابل مونه
گلببرگ تاريخ (۱)
دهم

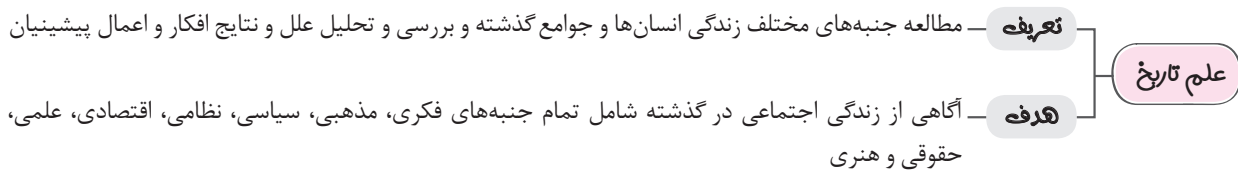
درس اول: (تاریخ و تاریخ نگاری)

درسنامه

معنا و مفهوم واژه تاریخ	
۱	تاریخ به مفهوم حوادث گذشته
منظور	مجموعه حوادث و رویدادهایی که فرد یا جامعه از سر گذرانده است.
مثالها	تاریخ ایران تاریخ باستان پر از جنگ و کشورگشایی است.
۲	تاریخ به مفهوم علم تاریخ
منظور	علم و روش علمی که به وسیله آن، رویدادهای گذشته براساس شواهد و مدارک، مطالعه و تحلیل می‌شوند.
مثالها	تاریخ روابط اقتصادی ایران و هند در دوران اشکانیان تاریخ را باید به شیوه‌ی علمی و روشمند نوشت.
۳	تاریخ به مفهوم تعیین وقت یک رویداد
منظور	تعیین روز و ماه و سال
مثالها	تقویم سالانه هنوز تاریخ برگزاری انتخابات شورای دانش‌آموزی مدرسه تعیین نشده است.

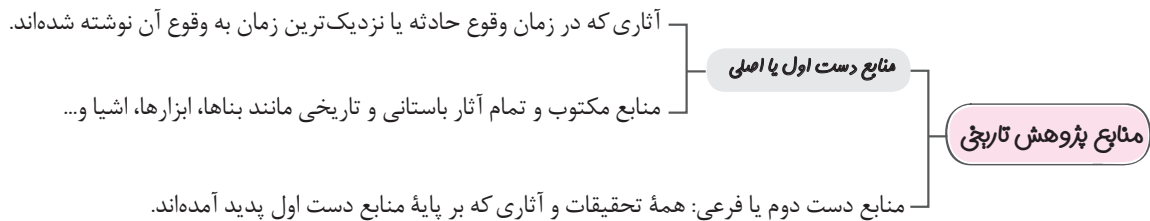
ویژگی‌های رویدادهای تاریخی

- دور از دسترس‌اند.
- قابل مشاهده نیستند.
- نمی‌توان آنها را به طور مستقیم درک کرد.
- با استفاده از شواهد و مدارک قابل شناخت‌اند.
- تکرارناپذیرند.
- قابل تجربه نیستند.
- مجزا و مستقل نیستند.
- با یکدیگر رابطه علت و معلولی دارند.



پیشینه تاریخ نگاری				
آغاز	حدود ۵ هزار سال پیش، پس از اختراع خط			
پيامد	جلب توجه انسان به ثبت و نگارش رویدادها			
نمونه‌ها	۱	تاریخ نگاری	کشور	مصر باستان
			قدمت	بیش از ۴ هزار سال
			محتوا	نام تعدادی از فراعنه و برخی حوادث دوران آنان
۲	سنگ‌نوشته‌های دوران هخامنشیان و ساسانیان			
۳	«خدای‌نامه‌ها» در زمان ساسانیان			
آغاز تاریخ نگاری در مفهوم کامل آن				
زمان	قرن ۵ پیش از میلاد			
مکان	یونان باستان			
توسط چه کسی؟	هرودت	ملقب به «پدر تاریخ»		
		کتاب تاریخ هرودت	۱. کهن‌ترین و کامل‌ترین کتاب تاریخی عصر باستان است. ۲. بیشتر مطالب آن شرح جنگ‌های یونان و ایران است.	
نکته مهم	عامل اصلی گسترش علم تاریخ در یونان باستان، رواج و رونق ادبیات و فلسفه بود.			
تاریخ نگاری در دوران اسلامی				
مورخان دوران اسلامی	شیوه کار	✓	تنظیم، ثبت و نگارش وقایع	
		✓	بیان حوادث سیاسی و نظامی و شرح حال فرمانروایان	
		✗	بررسی علل، آثار و نتایج رویدادهای تاریخی	
	نحوه دسترسی به منابع	✗	اهمیت به مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی	
		۱	همراهی حاکمان در مسافرت‌ها و جنگ‌ها به عنوان منشی	
		۲	دسترسی به اسناد و مدارک دولتی	
تاریخ نگاری نوین				
آغاز	دوره رنسانس (حدود قرن‌های ۱۳ تا ۱۷ م.)			
اساس	۱	سنجش دقیق منابع		
	۲	استناد به اسناد و مدارک معتبر		
	۳	دوری از داستان‌پردازی		
ویژگی‌ها	۱	همه ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و هنری جوامع گذشته را در برمی‌گیرد.		
	۲	تمام جنبه‌های زندگی مردم و جوامع گذشته بررسی می‌شود.		
	۳	زمینه‌ها، علت‌ها، نتایج و آثار گوناگون حوادث تاریخی را بررسی و تحلیل می‌کند نه فقط ثبت و نقل آنها را.		
	۴	از یافته‌های علوم و فنون مختلف (باستان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه، جغرافیا و...) استفاده می‌شود.		

پژوهش در تاریخ		
ویژگی‌ها	مراحل	
۱. موضوع تحقیق باید تازه و غیر تکراری باشد. ۲. موضوع تحقیق باید دارای اثر و فایده باشد. ۳. محقق باید موضوعی را برگزیند که دارای منابع و اطلاعات کافی باشد.	انتخاب موضوع	۱
۱. پرسش‌ها هدف پژوهش را مشخص می‌کنند. ۲. پرسش‌ها مانع از بیراهه رفتن پژوهشگر از مسیر درست پژوهش می‌شوند. ۳. اغلب از زمینه‌ها، علل، آثار و نتایج رویدادها و نقش افراد و گروه‌های درگیر پرسش می‌شود.	تدوین پرسش‌های تحقیق	۲
۱. پژوهشگر میزان اعتبار، دقت و صحت منابع و اسناد تحقیق را ارزیابی می‌کند. ۲. محقق باید از اصالت سند و جعلی نبودن آن مطمئن شود.	شناسایی منابع	۳
استخراج، تنظیم و دسته‌بندی اطلاعات مربوط به موضوع تحقیق از منابع و اسناد تاریخی	گردآوری و تنظیم اطلاعات	۴
۱. نیاز مورخ به روش‌ها و مهارت‌های خاص ۲. کار مورخان شباهت بسیاری به کار کارآگاهان پلیس دارد. ۳. مورخ به دنبال اسناد و مدارکی است که اطلاعاتی را درباره زندگی مردم در روزگاران گذشته در اختیار قرار می‌دهند.	تحلیل و تفسیر اطلاعات	۵
استخراج نتایج و یافته‌های تحقیق و ارائه آن در قالب گزارش علمی توسط پژوهشگر	گزارش یافته‌های پژوهش	۶



فواید و کارکردهای مطالعه تاریخ

- منبع شناخت و تفکر:
 - پرورش قوه شناخت و تفکر از راه مطالعه سرگذشت انسان‌ها و جوامع گذشته.
 - افزایش قوه درک و مهارت اندیشه‌ورزی از راه جست‌وجوی شواهد و مدارک تاریخی و تحلیل و تفسیر علت‌ها، آثار و نتایج آنها.
- بهره‌گیری از گذشته برای حال و آینده:
 - فهم اینکه فرهنگ‌ها و جوامع بشری چگونه و تحت تأثیر چه عوامل و شرایطی به وجود آمده، پیشرفت کرده و به وضعیت امروزی رسیده‌اند.
 - کمک در ارزیابی و شناخت درست اوضاع و شرایط کنونی جامعه خود و سایر جوامع و ترسیم افق آینده
- تقویت حس میهن‌دوستی و هویت ملی:
 - خودآگاهی و یگانگی بیشتر افراد جامعه با آگاهی از گذشته مشترکشان.
 - پیدا کردن درک درستی از هویت و کیستی خود و چگونگی رسیدن به جایگاه کنونی.
 - حفظ هویت در طول تاریخ
 - دوام آوردن در برابر حوادث عظیم و ممانعت از فروپاشی جامعه و فرهنگ ایرانی.
 - بی بردن به ارزش و اهمیت میراث فرهنگی و کوشش در حفظ و نگهداری آن.

۲/۵	<p>۱. جمله‌های درست یا نادرست را مشخص کنید.</p> <p>(الف) در مرحله شناسایی منابع، پژوهشگر، میزان اعتبار، دقت و صحت آنها را ارزیابی می‌کند. (فرزادگان فاش - ۱۴۰۱)</p> <p>درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/></p> <p>(ب) اساس تاریخ‌نگاری نوین بر سنجش دقیق منابع و استناد به اسناد و دوری از داستان‌پردازی بود. (مبکران - ۹۸)</p> <p>درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/></p> <p>(ج) رویدادها و تحولات تاریخی در نتیجه رفتار متقابل انسان‌ها با یکدیگر و با طبیعت، پدید آمده‌اند.</p> <p>درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/></p> <p>(د) تدوین خدای نامک‌ها در دوره سلوکی و اشکانی نشان از توجه ایرانیان به ثبت و ضبط وقایع تاریخی دارد.</p> <p>درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/></p> <p>(ه) بیشتر مطالب کتاب تاریخ هروودت شرح جنگ‌های روم و ایران باستان است.</p> <p>درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/></p>	۱
۲	<p>۲. جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.</p> <p>(الف) قدیمی‌ترین متن تاریخی که تاکنون کشف شده است که بیش از قدمت دارد. (تیزهوشان سیستان و بلوچستان - ۱۴۰۱)</p> <p>(ب) تاریخ‌نگاری در مفهوم کامل آن از قرن پیش از میلاد در یونان باستان و با ظهور مورخ بزرگی مانند آغاز شد.</p> <p>(تیزهوشان سیستان و بلوچستان - ۱۴۰۱)</p> <p>(ج) بقایای بناها، کاخ‌ها، آتشکده‌ها، پل‌ها، آب‌بندها، کاروانسراها و... جزء منابع در مطالعه تاریخ هستند. (فرزادگان کرج - ۱۴۰۰)</p> <p>(د) رویدادهای تاریخی مجزا نیستند و با یکدیگر رابطه دارند. (شاهد - ۱۴۰۱)</p>	۲
۲/۵	<p>۳. گزینه مناسب را انتخاب کنید.</p> <p>(الف) تدوین و نگارش «خدای‌نامه» در زمان را می‌توان نمونه‌ای از دل‌بستگی ایرانیان به نگارش وقایع و ضبط سلسله حوادث تاریخی دانست.</p> <p>(۱) مادها (۲) هخامنشیان (۳) اشکانیان (۴) ساسانیان</p> <p>(ب) علت گسترش علم تاریخ در میان یونانیان باستان چه بود؟</p> <p>(۱) رواج و رونق ادبیات و فلسفه (۲) توجه به علم نجوم و ریاضیات (۳) آشنایی با کتاب‌های مورخان مسلمان ایرانی (۴) توجه به علم باستان‌شناسی و سکه‌شناسی</p> <p>(ج) کدام مورد از معیارهای انتخاب موضوع پژوهش‌های تاریخی <u>نمی‌باشد</u>؟</p> <p>(۱) موضوع تحقیق تازه باشد و تکراری نباشد. (۲) باید دارای اثر و فایده‌ای باشد. (۳) منابع و اطلاعات کافی در مورد آن موجود باشد. (۴) گسترده و دامنه‌دار باشد.</p> <p>(د) کدام گزینه از منابع دست اول یا اصلی <u>نمی‌باشد</u>؟</p> <p>(۱) تاریخ هروودت (۲) کتیبه بیستون (۳) منشور کورش (۴) تاریخ ایران باستان پیرنیا</p> <p>(ه) کدام مورد از ویژگی‌های رویدادهای تاریخی <u>نمی‌باشد</u>؟</p> <p>(۱) تکرارناپذیر و قابل مشاهده نیستند. (۲) با یکدیگر رابطه علت و معلولی ندارند. (۳) دور از دسترس‌اند و قابل مشاهده نیستند. (۴) باید با استفاده از شواهد و مدارک آنها را شناخت.</p>	۳
۳/۵	<p>۴. به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید.</p> <p>(الف) قدیمی‌ترین متن تاریخی که تاکنون کشف شده به چه خطی نگارش یافته است؟ (فرزادگان هاز نهران - ۱۴۰۱)</p> <p>(ب) آخرین مرحله پژوهش در تاریخ چیست؟ (فرزادگان ایلام - ۹۹)</p> <p>(ج) معنای واژه تاریخ در جمله «تاریخ ایران باستان به دو بخش قبل و بعد از مهاجرت آریایی‌ها تقسیم می‌شود» چیست؟ (فرزادگان ننگرود - ۹۹)</p> <p>(د) در مراحل پژوهش تاریخ، «ارائه حرف جدید و شباهت کار به کارآگاهان پلیس» در کدام مرحله دیده می‌شود؟ (فرزادگان ننگرود - ۹۹)</p> <p>(ه) از چه زمانی به تدریج توجه انسان به ثبت و نگارش رویدادهای عصر خود جلب شد؟</p> <p>(و) قدیمی‌ترین متن تاریخی که تاکنون کشف شده چه محتوایی دارد؟</p> <p>(ز) به دنبال کدام رویداد به تدریج علم تاریخ متحول شد و شیوه نوینی در تاریخ‌نگاری پدید آمد؟</p>	۴